انتظار ۳



امام مهدی در قرآن

مهدی یوسفیان

بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار ۳: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

نویسنده:

مهدی یوسفیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار ۳: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

مشخصات کتاب

سرشناسه : یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور : امام مهدی (عج) در قرآن/ مهدی یوسفیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.؛ ۱۰ × ۲۰ س م.

فروست : انتظار؛ ۳.

شابک : ۶۰۰۰ ریال (چاپ اول) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۷۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۳۶-۱ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : چاپ اول: پاییز ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۱۱] - ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- جنبه های قرآنی

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- احادیث

موضوع : مهدویت-- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /م۸۶ ی۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۷۵۹۵

ص:۱

اشاره

انتظار «۳»

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

مهدی یوسفیان

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

(انتظار ۳)

مؤلف/ مهدی یوسفیان

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ/ دهم، زمستان ۱۳۹۲

شمارگان/ دو هزار نسخه

صفحه آرا/ رضا فریدی

بها/ ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵ / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹

/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info @imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۳۶-۱

ص:۲

فهرست مطالب

ص:۴

مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و نشناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در ادای این مهم، مجموعه ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات

مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک بپردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

ص:۶

پیشگفتار

اشاره

«معرفت و شناخت» از مسائل اساسی حیات بشری است(۱)؛ چرا که مقدمه حرکت آدمی است و او بر اساس شناخت خویش از مبدأ و معاد و زندگی و حقیقت و هدف آن، برنامه ریزی کرده و بر طبق آن عمل می کند. پس از معرفت خداوند ــ به عنوان مبدأ همه موجودات ــ معرفت حجت های پروردگار ــ که مظهر اسما و صفات پروردگار و آینه جمال و جلال الهی اند ــ بر همه معارف مقدّم است و حیات معنوی بشر، به همین معرفت وابسته

۱- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۷

است. در روایات شیعه و سنی(۱) آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«مَنْ ماتَ و لَمْ یعرِف امامَ زمانِه ماتَ مِیتَةً جاهِلیةً»؛(۲)

هر کسی بمیرد در حالی که امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

بنابراین، بر همگان واجب است که برای شناخت امام زمان خود، تلاش کنند و از بهترین و مستحکم ترین منابع معرفتی بهره گیرند.

برای شناخت امام، منابع گوناگونی وجود دارد که یکی از آنها ادله عقلی است که در اینجا مجال بحث از آن نیست. منبع معرفتی دیگر، روایات است که آن نیز در آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در این گفتار از منبع معرفتی قرآن استفاده می شود که اساسی ترین منبع برای

۱- گرچه در روایات تعابیر متفاوتی آمده، اما همه عهده دار بیان یک معنایند

۲- اصول کافی، ج ۱، ح ۳، ص ۳۷۱

شناخت انسان از حقایق جهان هستی است. قرآن تنها منبع مطمئنی است که از وحی الهی، سرچشمه گرفته و هیچ گونه انحراف و کجی در آن راه ندارد و مورد اتفاق همه فرقه های مسلمین است. امام علی علیه السلام فرمود:

«اِعلَمُوا أنَّه لَیسَ عَلی اَحَدٍ بَعدَ القرآن مِن فاقَه و لا لِاَحَدٍ قَبلَ القرآن مِنْ غنِی، فَاسْتَشْفُوه مِن اَدوائِکم و اسْتَعینُوا بِه علی لَاوائِکم»؛(۱)

بدانید که هیچ کس را پس از آموختن قرآن، نیازمندی نیست و هیچ کس را پیش از آموختن آن توانگری و بی نیازی نیست. پس شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید و در گرفتاری هایتان، از آن کمک بخواهید.

بنابراین بایسته است مسأله معرفت امام از نگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

پیش از پرداختن به بحث «امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن»؛ نکاتی چند باید روشن شود تا جای هیچ گونه شک و شبهه ای باقی نماند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

الف. جامعیت قرآن

پیامبر اکرم خاتم سلسله پیامبران است. مهم ترین رخدادی که با ارتحال وجود مقدّس رسول خدا در تاریخ حیات بشری پدید آمد، انقطاع وحی بود. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«...اِنْقَطَعَ بِمَوتِک ما لاینْقَطِعُ بِمَوتِ اَحَد»؛(۱)

[ای پیامبر!] به واسطه از دست رفتن شما چیزی از بشر قطع گردید (وحی) که به واسطه مرگ احدی قطع نمی شود.

رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ یعنی، پایان رسمی تشریع آسمانی و انقطاع وحی تشریعی و نزول قانون تکامل انسانی. بر این اساس و با توجه به اینکه قرآن و دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی نظیر برخوردار باشد.

روشن است که اگر بنا باشد دینی جاودانه باقی بمانـد، بایـد کتاب قانون آن برای همه عصرها، جامع و کامل باشد تا بتواند حضور خود را در تمام دوره های حیات بشری حفظ

۱- شیخ مفید، الامالی، ص ۱۰۲، ح ۴

کنـد. طبیعی است، اگر کتـاب قـانون یـک دین، از جـامعیت برخوردار نباشـد، مرور زمـان غبار کهنگی و فرسودگی بر تن آن نشانده و آن را به انزوا و شکست می کشاند.

سخن از جامعیت قرآن، امری است که مفسـران و دانشـمندان با استناد به خود قرآن و استفاده از عقل و نقل، آن را طرح کرده اند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

«وَ نَزَّلنا عَلَیکَ ـالْکتابَ تِبْیاناً لِکلِّ شَیء»،(۱)

و بر تو [ای پیامبر!] نازل کردیم کتابی را که در آن تبین هر چیزی [که در هدایت انسان نقش دارد] صورت گرفته است.

بر اسـاس این آیه و آیات دیگر قرآن کتاب «تبیان» و «هـدایت» است.(۲) «تبیان» صـفت عام و فراگیر قرآن است؛ یعنی، کتابی که برای هدایت همه انسان ها و همه زمان ها نازل شده، بیان «کلِ شَیء» را عهده دار است.

۱- ر.ک جوامع الجامع، ج۱، ص۳۸۳، ذیل آیه۵۹ سوره انعام

۲- ر.ک: بقره / ۲؛ مائده / ۴۴؛ آل عمران / ۱۳۸

علامه طباطبایی(ره) می فرماید:

در تبیین آیه گفته انـد: هنگامی که قرآن برای عموم مردم کتاب هدایت می باشد، در نتیجه شأن آن چنین است که ظاهراً مراد از هر چیزی، آنچـه کـه رجـوع به هـدایت می کنـد می باشـد. پس در آنچه مردم به آن محتـاج هسـتند ــ در هـدایت یـافتن و آگاهی پیـدا کردن نسبت به معارف حقیقی و واقعی که متعلق به مبدأ و معاد و اخلاق فاضـله می شود و... ــ قرآن بیان کننده آن می باشد.(۱)

ایشان نکته ای را از این عقیـده مفسـران اسـتفاده کرده است که اگر قرآن «تِبْیان کلِّ شَیء» باشـد و بخواهـد مقاصد خود را از طریق دلالت لفظی بیان کند، انسان صرفاً کلیاتی را از قرآن کریم استفاده می کند. علامه می فرماید:

اگر روایاتی [که دلالت بر وجود علم ما کان و ما یکون و ما هو کائن در قرآن دارنـد]صـحیح باشـد، لازم می آید که مراد از «تبیان» اعم از آن چیزی باشد که از طریق دلالت های الفاظ به دست می آید.

ص:۱۲

۱- المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۵

پس شاید در اینجا اشاراتی ــ البته از راهی غیر از دلالت الفاظ ــ باشد که اسراری را کشف می کند که با فهم متعارف؛ راهی به سوی آنها نیست.

ب. تأویل و تفسیر

بحث تأویـل و تفسـیر از مباحث مهم علوم قرآنی است و تعاریف و تحلیل های گوناگونی از سوی دانشـمندان درباره آن ارائه شده است؛ از جمله: به مقتضای این بحث، تحلیل و تعریفی را که برای فهم این نوشتار ضروری است، بیان می کنیم.

«اَلتَفْسِیرُ کشْفُ الْقناعِ عَنْ الْمُشْکلِ»؛ یعنی تفسیر نقاب برگرفتن از چهره الفاظ مشکل است».

در این بیان، تفسیر، مربوط به «ظهر» قرآن می شود و همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ما مِنَ الْقُرآنِ آیه اِلّا وَ لَها ظَهرٌ وَ بَطْن»(۱)؛ «هیچ آیه ای در قرآن نیست، مگر آنکه ظهر و بطنی دارد».

در این نگاه، تأویل به معنای «بطن»

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۹۶، ح ۳۳۵۸۰

قرآن است که دلالت درونی قرآن را می رساند. در مقابل دلالت ظاهری و برونی قرآن دارد که از آن به «ظهر» تعبیر می شود. با این نگاه تمامی آیات قرآن بطن دارند؛ نه اینکه بطون، مخصوص آیات متشابه باشد.(۱)

یکی از مهم ترین ابزاری که می توان به واسطه آن به درک واقعی و عمیق مضامین و مفاهیم آیات الهی نایل شد و از معارف ارزشمند آن بهره مند گردید، همان «تفسیر» صحیح آیات نورانی قرآن است. مراد از «تفسیر» مطالبی است که از الفاظ و ظواهر کلام الهی و با اندیشه و ژرف نگری در آنها به دست می آید و نشانگر مراد و منظور ظاهری آیات قرآن است.

اما گاهی آیات الهی حاوی حقایقی ورای الفاظ و ظواهر آن است که در مطالعه ابتدایی و اولیه به دست نمی آید و تأمّل و دقت آدمی در آنها نیز کارساز نیست؛ بلکه تنها روایات و گفتار معصومین علیهم السلام است که از آنها پرده برمی دارد و اسرار آنها را آشکار می سازد. به

۱- علوم قرآنی، ص ۲۷۴

این مرحله از فهم آیات ــ که دلالت به باطن قرآن دارد ــ «تأویل» گفته می شود. بنابراین برای بهره مندی جامع و شایسته، هم باید به ظاهر قرآن و «تفسیر» آن توجه کرد و هم از باطن آن (تأویل) استمداد جست.

ج. جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام

شکی نیست که کلام وحی و معارف بی کران الهی، اقیانوسی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشری، توانایی درک و تحلیل تعالیم و مفاهیم بلند و آسمانی آن را به تنهایی، به صورت کامل و صحیح ندارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشمه وحی و علم الهی بهره مند شده و توانایی لازم برای بیان حقایق آن را داشته باشند. این فضیلت در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومین علیهم السلام جلوه گر و متبلور شده است.

خداوند در این باره خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«وَ اَنزَلنا اِلَیکَ الذِکرَ لِتُبَینَ لِلنّاسِ مانُزِّل ِاِلَیهم»؛(۱)

ص:۱۵

۱- نحل / ۴۴

«و ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی». نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهده دار این وظیفه سنگین و امر خطیر معرفی می فرماید؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است؛ «اِنّی تارک فِیکم الثَّقلَینِ کتابَ اللّهِ وَ عِترَتِی أهل بَیتی...»(1)؛ «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگ بزنید و تمسک بجویید هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

بنابراین توجه به دیدگاه و بیانات امامان معصوم علیهم السلام در فهم و کشف مقصود آیات نقش کلیدی ایفا می کند.

این انگاره از آیات دیگر قرآن نیز قابل

ص:16

1- ر.ک: شیخ کلینی، کافی، ج 1، ص 293، ح 3؛ شیخ مفید، الارشاد، ج 1، ص 231؛ شیخ صدوق، امالی، ص 415، ح 15

استفاده است:

(فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکرِ اِنْ کنْتُم لا تَعلَمُونَ)(۱)؛

«اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر (که مصداق اتمّ آن ائمه اهل بیت هستند) بپرسید».

در تفسیر این آیه آمده است:

«نَحْنُ أَهْلُ الذّکرِ وَ نَحْنُ الْمَسؤُولُونَ»؛(۲)

«منظور از اهل ذکر ماییم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم».

در تفاسیر دوازده گانه اهل سنت از ابن عباس نقل شده است:

«هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلی و فاطِمَه وَ الحَسَنُ و الْحُسین هَم أَهْلُ الذِّکرِ وَ الْعقل وَ الْبَیانِ»؛(۳)

«مراد از اهل ذکر، حضـرت رسول، امام علی علیه السـلام ، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. ایشان اهل ذکر و تعقّل و بیان می باشند».

ص:۱۷

۱- نحل / ۴۳

۲- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳

۳- تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴

راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در همگامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است. این کتاب الهی در کنار تبیین معصوم، برای همیشه «هادی» است.

پس روشن شد که قرآن، جامع و دارای ظهر و بطن و تفسیر و تأویل است و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام در تبیین آن نقشی بی بدیل دارند و نه تنها در حوزه متشابهات که در حوزه ظواهر و نصوص نیز بیان آنان حجّت است.

با این مقدمات نتیجه می گیریم که بحث «مهدی علیه السلام در قرآن» را باید فراتر از ظواهر الفاظ دید و به صرف اینکه نام مبارک مهدی علیه السلام در قرآن ذکر نشده، نباید گفت: قرآن از حقیقت «مهدویت» خالی است و آن ریشه در قرآن ندارد.

د. شیوه های معرفی در قرآن

با همه این تفاصیل، چرا نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صراحت در قرآن نیامده تا جلوی انکار خیلی ها گرفته شود؟ آیا اگر نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر می شد، مردم آن را بهتر و راحت تر

نمی پذیرفتند؟ شبیه همین سؤال درباره ولایت مولا علی علیه السلام نیز مطرح است.

در پاسخ باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت ها به مقتضیات حکمت و بلاغت، از سه راه استفاده کرده است:

۱. معرفی با اسم: نخستین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کنـد؛ مانند: (وَ ما مُحمَّدٌ اِلّا رَسُولٌ قَدْ خلَتْ مَنْ قَبْلِه الرُّسُل).(۱) و (و مُبَشِّراً بِرَسُول یأتِی مِنْ بَعْدِی اِسْمهُ أحْمَد).(۲)

۲. معرفی با عدد: شـیوه دوم، معرفی با عدد و تعداد است که قرآن نقبای بنی اسرائیل را این گونه معرفی می کند: (وَ بَعَثْنا مِنْهُم اَثْنَی عَشَرَ نَقِیباً)؛(۳) «و از ایشان دوازده نقیب مبعوث کردیم». همچنین گروهی را که موسـی علیه السلام برگزید تا به کوه طور ببرد، با عدد معرفی کرده است: (وَ اختارَ مُوسی

ص:۱۹

۱- آل عمران / ۱۴۴

۲- صف / ۶

۳- مائده / ۱۲

قُومَهُ سَبْعِینَ رَجلا)(۱) یعنی «و حضرت موسی از میان قومش هفتاد نفر را برگزید».

۳. معرفی با صفت و ویژگی: شیوه سوم معرفی با صفات و ویژگی است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به این شیوه معرفی کرده است:

(اَلَّذینَ یتَّبعُونَ الرَّسُولَ النّبی الاُمی... یأمُرُهُم بِالمَعْرُوفِ وَ ینْهاهم عَنِ المُنکرِ وَ یحِلُّ لَهُم اَلطیباتِ وَ یحَرِّمُ عَلَیهِمُ الْخَبائِثَ...)؛(۲)

«کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند... که پیامبر ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد و بر ایشان امور پاکیزه را حلال و بر ایشان امور ناپسند را حرام کرده است.

در معرفی ولی مؤمنان نیز از این شیوه استفاده کرده است:

(اِنَّما ولِیکم اللّهُ وَ رَسُولُه وَ الَّذینَ آمَنوا الَّذینَ یقیمُونَ الصَّلاهِ وَ یؤتُونَ الزَّکاهِ وَ هُم راکعُون)؛(۳)

۱- اعراف / ۱۵۵

۲- اعراف / ۱۵۷

۳- سوره مائده / ۵۵

«صاحب امر شما خدا و رسول او و کسانی اند که ایمان دارند و نماز را به پا می دارند و زکات می پردازند در حالی که در رکوع می باشند».

شناساندن با صفت، بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می بندد؛ زیرا می توان نام جعلی درست کرد؛ اما بهره برداری از صفات، کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست. از این رو می بینیم در جریان طالوت، خدای متعال بعد از آن که او را به اسم معرفی می کند، بلافاصله وی را با صفات و نشانه نیز معرفی می کند تا جلوی هرگونه اشتباه احتمالی گرفته شود:(1)

(وَ قالَ لَهُم نَبیهُم اِنّ آیهَ مُلْکه اَنْ یاتِیکم التابُوت فِیه سَکینَهٌ مَن رَبِّکم و بَقیهٌ ممّا تَرَك آلُ مُوسی وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُه الْمَلائِکه.(۲))؛

«و نبی پیامبرشان به ایشان گفت: همانا نشانه فرمانداری و سلطنت او این است که تابوتی را برای شما خواهد آورد که

۱- جعفر سبحانی، پرسش ها و پاسخ ها، ص ۱۸۵

۲- بقره / ۲۴۸

در آن آرامشی از جانب پروردگار شما وجود دارد و در آن آنچه به جای مانده (میراث) از آل موسی و هارون می باشد که ملائکه آن را حمل می کنند».

پس روشن می شود که تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و حضرت از راه های دیگر (صفات) معرفی شده است و قرآن به شکل های مختلف به وجود امام زمان علیه السلام و حکومت جهانی او اشاره کرده است.

از طرفی مصالحی در کار بوده که امامان معصوم علیهم السلام به نام ذکر نشوند که می توان به محفوظ ماندن قرآن از تحریف اشاره کرد. درست همان علتی که ایجاب کرد «آیه اکمال دین»(۱) در بین آیات تحریم خبائث و «آیه تطهیر»(۲) در بین آیه «نساء النبی» قرار گیرد تا ضمن ابلاغ پیام به همه حق جویان، مانع از دست بردن در قرآن نیز بشود.

ه. اعتقاد به مهدی علیه السلام

قیام و حکومت جهانی یک منجی

ص:۲۲

۱- سوره مائده / ۳

۲- سوره احزاب / ۳۳

عدالت گستر و مصلح عدالت پرور، از جمله مسائلی است که نه تنها با فطرت ظلم ستیز و عدالت طلب انسان ها آمیخته و نهادینه شده است که همه مسلمانان بلکه تمامی ادیان آسمانی و برخی آئین های دیگر آن را باور داشته و پیروان خود را به ظهور او مژده داده اند.

تنها این نکته باقی می ماند که این منجی موعود و مصلح کل چه کسی است و آیا اینک در قید حیات است یا بعداً به دنیا می آید. بنابراین اعتقاد به مهدویت، مسأله ای عمومی و یکی از اصول مسلّم اسلامی است.

و. شیوه بررسی

در بررسی آیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام صورت های مختلفی را می توان ارائه کرد:

الف. ابتدا آیاتی بررسی شود که به صورت تفسیری در مورد حضرت است و سپس آیات دیگر ارزیابی گردد که از جهت تأویل بر حضرت دلالت دارد.

ب. آیاتی به صورت موضوعی بررسی شوند؛ مثلا آیات مربوط به غیبت، حکومت و....

ص:۲۳

ج. از ابتدای قرآن هر آیه ای که مربوط به حضرت است، طرح و بررسی شود.

و. آیات مربوط به حضرت به ترتیب شأن نزول سوره ها، بررسی گردد.

در این نوشتار راه اول را پی می گیریم، چرا که استفاده تفسیری از آیات قرآن در این باره کارآیی بیشتر دارد، زیرا روایات تفسیری می تواند به عنوان مؤید مطرح شوند.

با توجه به مقدمات یاد شده، کتاب الهی را با توجه به روایات، بررسی و آیاتی را مطرح می کنیم که در آنها به حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

ص:۲۴

گلچینی از آیات مهدویت

یک. غلبه اسلام بر جمیع ادیان

(یریـدُونَ اَنْ یطفِئُوا نُورَاللّه بـأفواهِهِم وَ یـأبَی اللّهُ إلاّ اَنْ یتِمَّ نُورهَ وَ لَو کرهَ الْکافِرُون. هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُـدی وَ دینِ الحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلی الدِینِ کلِّه وَ لُو کرِه الْمُشرکون.)؛(۱)

«می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند؛ ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین

۱- توبه / ۳۲ و ۳۳

است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

(هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی و دِینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَه عَلی الدِّینِ کلّه و کفی باللّه شَهِیداً)؛(۱)

«او است کسی که پیامبر خود را به قصد هدایت، با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند».

(یریـدُونَ لِیطْفِئُوا نُورَ اللّهِ بـأفْواهِهِم وَ اللّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَو کرهَ الْکـافِرُونَ. هُوَ الَّذِی اَرْسَـلَ رَسُولَهُ بِالْهُـدی و دینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلی الدِّینِ کلِّه وَ لَو کرِهَ الْمشرکونَ)(۲)

«می خواهنـد نور خـدا را بـا دهـان خود خاموش کننـد و حال آنکه خـدا ـ گرچه کافران را ناخوش افتـد ـ نور خود را کامل خواهـد گردانیـد. او است کسـی که فرسـتاده خود را بـا هـدایت و آیین درست روانه کرد تـا آن را بر هر چه دین است غـالب گرداند؛ هر چند

ص:۲۶

۱- فتح / ۲۸

۲- صف / ۸ و ۹

مشرکان را ناخوش آید».

واژه «یظهره» فعل مضارع از باب اِفعال است که وقتی همراه با «عَلی» می آید، به معنای «یغلبه» و «یعلیه» (غلبه و برتری دادن) است.

خداوند در این آیات اشاره می کند که دشمنان دین و حقیقت می خواهند نور خدا را خاموش کنند؛ در حالی که خداوند نور خود را کامل می کند و تلاش های آنان ره به جایی نمی برد. خداوند وقتی از اراده دشمنان برای خاموشی نور خدا و نابودی دین خبر می دهد، تنها از جلوگیری این اراده خبر نمی دهد و نمی گوید: ما نمی گذاریم آنان نور خدا را خاموش کنند؛ بلکه از اتمام نور سخن می فرماید: «خدا این نور را تمام می کند». سپس به روشنی می گوید: «خدا رسولش را با هدایت (دلایل روشن و برهان های آشکار) و دین حق (آیینی که اصول و فروعش همه بر اساس واقعیت و حقیقت است) فرستاد». نتیجه چنین هدایت و دینی که با خود دلایل شفاف و مطالب حق و درست به همراه دارد، پیروزی بر همه مکاتب و آیین های دیگر

است که خداوند آن را اراده کرده است.

ضمیر «ه» در «لیظهره» بـه دیـن بر می گردد؛ چرا کـه ظـاهر عبـارت غلبه دین است نه غلبه شـخص و بایـد بین غـالب و مغلـوب تناسب و هم سـنخی باشـد. غلبه اسـلام بر دیگر ادیان، هم از نظر منطق و اسـتدلال است و هم از نظر غلبه عینی و عملی؛ یعنی، روزی فرا می رسـد که اسـلام بـا پشـتوانه عظیم معرفتی و آموزه هـایی که دارد، بر همه ادیـان غالب می شود و نفوذ ظاهری و حکومت دین مقـدس اسـلام بر جهان سایه می افکنـد و همه را تحت الشـعاع خود قرار می دهد. گفتنی است: خداوند در سـه جای قرآن عبارتی بسیار شبیه به هم آورده که نشان دهنده اهمیت مطلب و حتمی الوقوع بودن این رویداد بزرگ (غلبه اسلام) اسـت. به علاـوه که خداونـد در آخر آیه ۲۸ سوره «فتـح» از عبـارت «و کفی بـالله شـهیدا» اسـتفاده کرده که شاهِـد تحقیق این واقعیت و گواه بر آن، خود خداونـد است. با توجه به اینکه چنین امری هنوز رخ نداده است، این خبر و وعده الهی در آینده به حتم روی خواهد داد. از طرفی قیام جهانی

ص:۲۸

حضرت مهدی علیه السلام امری مسلم و قطعی و یکی از آموزه های دین مقدس اسلام است. قیامی که نتیجه اش نابودی شرک و گسترش دین اسلام در همه جای کره زمین است.

محمد بن فضیل می گوید: «از امام کاظم علیه السلام درباره قول خداوند «لِیظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّه» پرسیدم فرمود: «لِیظهِرَهُ عَلی جَمیعِ الَادیانِ عِنْدَ قِیامِ الْقائِمِ؛(۱)پیروز می کند خدا دین اسلام را بر همه دین ها هنگام قیام قائم علیه السلام ».

از این روایت استفاده می شود که مراد از پیروزی دین اسلام، پیروزی همه جانبه و حاکمیت این دین بر زمین است.

ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه (هُوَ الَّذِی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الحَقِّ لِیظهِرَهُ عَلَی الدِّین کلِّه وَ لَو کرهَ الْمُشْرِکونَ) پرسیدم، فرمود:

«وَ اللّهِ! ما نَزَلَ تَأویلُها بَعْد، و لاینْزِلُ تَأویلُها حَتّی یخْرُجَ القائِمُ علیه السلام فَاذا خَرَجَ القائِمُ علیه السلام لَمْ یبْقِ کافِرٌ باللّهِ العظیمِ وَ لامُشْرِک بالامام الاّ

ص:۲۹

۱- کافی ، ج ۱، ح ۹، ص ۴۳۲

کرِهَ خُروجَه حَتّی ان لو کانَ کافِرٌ اَو مُشْرِک فِی بَطْنِ صَخْرَه لَقالَتْ: یا مُؤمِنُ فِی بَطنی کافِرٌ فَاکسِرْنی وَ اقْتُلْهُ»؛(۱)

قسم به خدا! هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نمی آید تا اینکه قائم علیه السلام خروج کند. پس هنگامی که قائم خروج کرد؛ کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی ماند؛ مگر اینکه خروج او راکراهت دارد و حتی اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی پنهان شده باشد، آن سنگ می گوید: ای مؤمن! درون من کافری هست؛ مرا بشکن و او را بکش.

پس مراد از ظهور و غلبه دین، برتری در زمین است؛ به گونه ای که دیگر جایی برای شرک باقی نمی ماند. به عبارت دیگر، هر چه زمان بیشتر می گذرد و جوامع بشری به هم نزدیک تر و از حال هم آگاه تر می شوند و واقعیت «دهکده کوچک جهانی» ملموس تر می گردد. نیاز به وجود یک مدیر و حاکم عادل و حکیم، با دانایی و توانایی مافوق بشری و با

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، باب ۵۸، ح ۷

قانونی جامع و کامل، برای سعادت و کمال مادی و معنوی انسان ها، بیش از پیش آشکار می شود؛ چرا که پراکندگی و کوتاه نگری قوانین بشری، با حاکمانی خودسر، خودخواه و هوسران، روز به روز بر سقوط ارزش ها و حذف امنیت و آرامش این دهکده کوچک افزوده و هراس از آینده ای تاریک و مبهم را افزایش داده است و انتظار یک منجی و مصلح عدالت گستر را در قلب های مضطرب و نگران، افزون ساخته است.

خداونـدِ آگاه به سرّ و نهان بشر، برای این روز تـدبیری اندیشیده و برنامه ریزی کرده است و آن تدبیر چیرگی دین اسلام و آموزه های گران سنگ آن بر همه ادیان به دست رادمردی الهی است تا بشر با او از گرداب تباهی، فقر، تبعیض و فساد رهایی یابد.

در این رابطه دو انگاره مهم از روایات استفاده می شود.

الف. اصل حاکمیت دین اسلام بر گستره زمین

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه (... هُوَ الذی اَرْسَلَ...) نقل شده است:

«...لایبقَی قَریهٌ اِلاّ وَ

ص:۳۱

نُودِی فِیها بِشَهادَهِ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَ اَنّ مُحَمَّداً رَسُول اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بُکرَهً وَ عَشیاً»؛(۱)

باقی نمی ماند قریه ای مگر اینکه در آنجا صبح و شب شهادت به توحید و رسالت پیامبر داده می شود.

ب. روی دادن این اتفاق در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ولایت و امامت، ادامه رسالت و نبوت است و امام جانشین پیامبر، و عهده دار تمام شئون نبی ــ به جز مقام ابلاغ وحی ــ می باشد؛ از این رو اگر این نوید قرآنی به دست آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واقع شود، مانند این است که گویا خود پیامبر این حقیقت را عملی ساخته است. شیخ صدوق(ره) در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل می کند:

«مِنّا اثناعشر مَهدیاً اَوَّلُهم اَمیرُالْمؤمِنین عَلی بن اَبی طالِب وَ آخِرُهُمْ التاسِعُ مِنْ وُلْدِی، وَ هُوَ الامامُ القائِمُ بِالْحِقِّ، یحیی اللّهُ بِهِ الَارض بَعْدَ مَوتِها، وَ یظْهِرُ به دینَ الحَقِ عَلی الدینِ کلِه وَ لَو

ص:۳۲

۱- بحارالانوار ، ج ۵۱، ص ۶۰

کرِهَ الْمُشرِکون. لَهُ غَیبَهٌ یرتَدُّ فِیها اَقوامٌ وَ یثْبُتُ فِیها عَلی الدِّین آخرُون، فَیؤذَونَ و یقال لَهُمْ: مَتّی هَذا الْوَعْدُ اِنْ کنْتُمْ صادِقِینَ اَما اِنّ الصابِرَ فِی غَیبَتِهِ عَلی الأذی و التَّکذیب بِمَنْزِلَهِ المُجاهِدِ بِالسَیفِ بَینَ یدَی رَسولِ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم »؛(۱)

از ما دوازده نفر مهدی است (لقب مهدی برای همه ائمه ذکر شده است) که نخستین آنان امام علی علیه السلام و آخرین ایشان نهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق قیام می کند. خداوند به واسطه او زمین را زنده می کند بعد از مرگش و به واسطه او پیروز می کند دین حق را بر همه ادیان؛ هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند. برای او غیبتی است که گروهی در آن دوره غیبت مرتد شده و از دین خارج می شوند و گروه دیگر بر دین ثابت و استوار می مانند و به آنان گفته می شود: «اگر راست می گویید [و مهدی بر حق است] پس کی این وعده تحقق

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳

می یابـد». پس به راستی که صابران در زمان غیبت او بر آزارها و تکـذیب ها، مانند مجاهدانی هسـتند که در برابر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر می زدند [و از دین دفاع می کنند].

دو. خلافت مؤمنان، وعده الهی

وَعَدَ اللّهُ الـذینَ آمَنُوا مِنْکم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتَ لَیسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الاَرض کما اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مَنْ قَبْلِهِم وَ لَیمَکنَنَّ لَهُم دینَهُم الَّذی ارْتضی لَهُم وَ لَیبَدِّلَنَّهُم مِن بَعْدِ خَوفِهِم اَمناً یعْبُدُونَنی لایشرِکون بی شیئاً وَ مَنْ کفَرَ بَعْدَ ذلِک فَاولئِک هُمُ الْفاسِقُون؛(1)

خـدا به کسـانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته کرده انـد، وعـده داده است که حتماً آنان را در این زمین جانشـین [خود]قرار دهـد؛ همـان گونه که کسـانی را که پیش از آنـان بودنـد جانشـین خود قرار داد. و آن دینی که بر ایشان پسـندیده است، به سودشان مستقر می کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و

ص:۳۴

۱- نور/ ۵۵

چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

آیه شریفه از وعده ای بسیار زیبا خبر می دهد؛ خداوند به مؤمنان صالح وعده می دهد که:

۱. برای آنان جامعه ای صالح مخصوص خود درست می کند و زمین را در اختیارشان قرار می دهد.

۲. دینشان را در زمین چیره و برتر می سازد.

۳. امنیت را جایگزین ترسشان می کند.

۴. فقط خدای را عبادت می کنند.

این آیه خطاب به امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده و خداوند در آن از تعبیر «وعد» استفاده کرده است و وعده های خدا تخلف بردار نیست. بنابراین، مفاد آن این می شود که خداوند، به گروهی از امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وعده «استخلاف» روی زمین را داده است. این گروه دو ویژگی مهم و اساسی دارند:

۱. ایمان، که همه اعماق وجودشان را پر کرده است.

۲. عمل صالح، که همه اعضا و جوارحشان

ص:۳۵

در خدمت و اطاعت مولا است.

این وعده چند ویژگی دارد:

الف. خلافت بر روی زمین

خلافت؛ یعنی، مسلط شدن بر کل زمین و استفاده از موهبت های آن. البته خداوند متعال خلافت روی زمین را به امت های صالح پیشین؛ (مانند قوم نوح و صالح) نیز عطا فرموده بود به نظر می آید مراد از این خلافت و حکومت، تنها اصل جانشینی است، نه گستره و محدوده آن؛ یعنی، همان گونه که دیگران به حکومت و خلافت در زمین ـ هر چند در منطقه ای محدود ـ رسیدند، شما هم می رسید. اینکه چرا برای همه زمین از کلمه «الارض» استفاده شده، دلیل های متعدد دارد؛ از جمله: ۱. اصل «اطلاق» است، قید زدن نیاز به دلیل دارد. ۲. تمکین دین مورد رضایت و امنیت کامل، زمانی اتفاق می افتد که سراسر زمین، تحت حاکمیت و سیطره اینان باشد. ۳. روایاتی که در ذیل آیه وارد شده است.

ب. تمکین دین مورد رضایت خدا

تمکین هر چیزی برقرار کردن آن در یک

ص:۳۶

مکان است و این کنایه از پایـداری، تزلزل نداشـتن و زوال ناپـذیری آن چیز می باشد؛ به گونه ای که اگر اثراتی داشـته باشد، هیچ مانعی جلوی تأثیر آن را نمی گیرد. «تمکن دین» در آیه به این معنا است که بر سـر راه آن هیچ گونه کفر و شرکی ایجاد نکننـد. اوامر و دسـتوراتش محترم شـمرده شـده و بـدان عمـل شود. اصول و معـارفش مورد پـذیرش همگان بوده و همه به آن معتقد باشند و درباره آن اختلاف نکنند.

ج. دین مورد رضایت

دینی که خـدا آن را «پسـندیده» است، همانـا دین مقـدس اسـلام است که در جریان غـدیر خم با نصب ولایت امیرمؤمنان علیه السلام تمام و کمال یافت و کافران از نابودی آن نا امید گشتند:

اَلْیـومَ یئِسَ الَّذیـنَ کفَروا مِـنْ دینکم فَلا تَخْشَـوْهُم وَ اخشَـوْنِ اَلْیـومَ اَکمَلْتُ لَکمْ دینَکم وَ اَتْمَمْتُ عَلَیکم نعْمَـتِی وَ رَضِـیتُ لَکمْ الاسلامَ دیناً؛(۱)

ص:۳۷

۱- مائده / ۳

دینی که ولایت اهل بیت عصمت و طهارت در متن آن قرار دارد. اسلام است و امامت امام علی تا امام مهدی علیه السلام را در بر دارد، دین «مرضی» و مورد قبول خداوند است.

د. امنیت

در چنین دورانی ترس و خوف تبدیل به امنیت و آرامش می شود. طبیعی است که ترس و خوف، عواملی دارد و از بین رفتن آن نیز، نتیجه از بین رفتن اسباب و علل است. پس، در این دوران هیچ عاملی، باعث نگرانی و ترس برای مؤمنان نخواهد بود.

ه. عبادت صحیح

نتیجه چنین حکومتی، این است که تنها خداوند «عبادت» می شود؛ همه مظاهر شرک، از بین می رود؛ عبادات خالصانه تنها برای او خواهد بود و دیگر هیچ معبودی جز خدا، پرستیده نمی شود.

تغییر خطاب در آیه از غایب (وعد اللّه) به متکلم وحده (یعبدوننی) و استفاده از عبارت نکره «شیئاً» در سیاق نفی که مفید عموم است، هر دو به خوبی بر از بین رفتن

ص:۳۸

شرک به طور کامل و حاکمیت توحید دلالت دارد.

علامه طباطبایی(ره) درباره جمله «وَمَنْ کفَرَ بَعدَ ذلِک...» می فرماید:

«ذلک» (که برای اشاره است) به «موعود» (وعده خدا) باز می گردد؛ لذا مناسب است که کلمه «کفر» را به معنای کفران (در مقابل شکر نعمت) بگیریم و چنین معنی کنیم: «هر کس کفران کند بعد از تحقق این وعده، او واقعاً فاسق است».(۱)

طبق این گفتار، «کفر» دامنه وسیعی را در بر می گیرد و به این معنا است که هر کس این موهبت الهی را ضایع کرده و از آن استفاه نکند، فاسق بوده و از راه عبودیت و بندگی خارج شده است.

پس از بیان قسمت های گوناگون آیه، اکنون جای این پرسش است که: منظور خداوند از این وعده، شامل چه افرادی می شود؟

برخی از مفسران ــ مانند صاحب تفسیر

۱- تفسیرالمیزان ، ج ۱۵، ذیل آیه

نمونه _ معتقدند: آیه عمومیت دارد و نتیجه آن چنین است که در هر زمان، که پایه های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود؛ آنان دارای حکومتی ریشه دار و پرنفوذ خواهند شد. البته بی شک، حکومت حضرت مهدی علیه السلام مصداق کامل این آیه است.(۱)

علامه طباطبایی(ره) بیان بلندی در این زمینه دارد که خلاصه آن چنین است:

از ظاهر آیه استفاده می شود که آیه مربوط به برخی از افراد امت اسلام است و اینان دارای مجتمعی صالح خواهند بود. این جامعه دارای دین مرضی خدا بوده و دین اسلام به گونه ای در جامعه برقرار می گردد که تزلزلی در آن راه نخواهد یافت و امنیت به گونه ای در آن اجتماع به وجود می آید که دیگر از هیچ دشمنی (خارجی، داخلی، علنی و پنهانی) نمی ترسند [چرا که همه زمینه های خوف از بین می رود و لذا خوف تبدیل به امنیت می شود]. این چنین امنیتی است

۱- تفسیر نمونه ، ج ۱۴، ذیل آیه

که جای امتنان دارد؛ چرا که آیه در مقام امتنان و منت گذاشتن بر مردم است و امتنان وقتی مناسب و پذیرفتنی است که جامعه از هر جهت در امان بوده و آزادی برای همه باشد. در این جامعه اخلاص در عبادت عمومیت پیدا می کند و بنیان هر کرامتی غیر از تقوا منهدم می شود. این جامعه با این صفات تا کنون به وجود نیامده است. پس اگر مصداقی داشته باشد، در روزگار امام مهدی علیه السلام می باشد و حق مطلب این است که اگر واقعاً بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم، آیه جز با اجتماعی که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تشکیل می شود، قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست.(۱)

ممکن است کسی بگوید: هرچند این آیه مربوط به حکومت حضرت مهدی علیه السلام است؛ ولی آیا از این آیه می توان استفاده کرد که ایشان زنده و حاضر است؟

در پاسخ باید گفت: آری، وجود امام زنده

۱- تفسیر المیزان ، ج ۱۵، ذیل آیه

حاضر را از همین آیه و با توجّه به آیات دیگر، می توان برداشت کرد:

۱. دین مورد رضایت خدا، اسلام است و این دین آن هنگام کامل و مورد رضایت خدا قرار گرفت که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم؛ امام علی علیه السلام را به عنوان خلیفه و ولی تعیین کرد و این ولایت و خلافت را جزء دین قرار داد و وجود آن را باعث اکمال و اتمام دین دانست: «الیوم اکملت...».

پس تا دین هست، ولایت و خلافت نیز باید باشد و چون در هر زمان دین هست، ولی و خلیفه نیز باید تا قیامت باشد.

۲. هر رهبری که بخواهد حکومت کند، خود باید برای تشکیل این حکومت برنامه ریزی کند؛ چنان که سنت خدا بر این قرار گرفته است و با رجوع به خلافت و رهبری پیشوایان و پیامبران گذشته؛ این مطلب روشن می شود. امام زمان علیه السلام نیز که می خواهد حاکمیت دوران ظهور را بر عهده داشته باشد، باید خود رهبری قیام و تشکیل حکومت را در دست بگیرد و نیروسازی کند. پس باید زنده و حاضر باشد و در راستای

ایجاد انقلاب جهانی و تشکیل حکومت خویش، فعالیت کند.

۳. وعده خدا در هر زمان که مقتضی فراهم و موانع مفقود باشد، امکان پذیر است و خداوند این را به عهده انسان ها گذاشته است: «ان اللّه لا ـ یغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم؛»(۱) یعنی، هر زمان که انسان ها بخواهند، خدا تغییر می دهد. پس هر زمان که انسان ها حاکمیت مهدی علیه السلام را بخواهند، خداوند آن را رقم می زند. بنابراین باید امام و رهبر در هر زمان باشد تا با خواست انسان ها، قیام جهانی و حکومت عدل برقرار شود. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود:

«اِنّهُ لَمْ یجِیء تَأویلُ هذِه الآیهِ وَلَو قامَ قائِمُنا، سَیری مَن یدرِکهُ ما یکونُ مِن تأویلِ هذِهِ الآیهِ، وَلَیبْلُغَنَّ دینُ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله و سلم ما بَلَغَ اللَّیلُ حَتّی لایکونَ مُشرِک عَلَی ظَهْرِ الاَرضِ کما قال اللّه تَعالی وَیعبُدوُنَنِی لایشرِکونَ بِی

۱- رعد/ ۱۱

شَیئاً»؛(۱)

تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند: هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جایی که شب برسد، می رسد (همه کره زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: (یعبدوننی...).

نکته: از نظر ترتیب نزول سوره ها، آیه ۵۵ سوره «نور» می تواند تفسیر آیه ۱۰۵ سوره «انبیاء» باشد؛ بدین معنا که در آیه ۱۰۵ سوره «انبیاء» اصل طرح و مجریان و گستره آن بیان شده بود، ولی این آیه ویژگی ها و اهداف را بیان می کند.

سه. بندگان صالح وارثان زمین

(وَ لَقَدْ کتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ)؛(۲)

و در حقیقت، در زبور پس از تورات

۱- بحارالانوار ، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱

۲- انبیاء (۱۰۵)

نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

همه مفسران بر این باورند که خداوند متعال در این باره به کتاب های انبیا اشاره دارد و می فرماید: در کتاب های پیامبران نوشته ایم که زمین را بندگان صالح به ارث می برند. البته در این اختلاف شده که: آیا خداوند در همه کتاب های پیامبران به این آیه اشاره کرده است یا در بعضی از آنها؟ گروهی می گویند: مراد از «زبور» همان کتاب حضرت داود علیه السلام است و مراد از «ذکر» تورات حضرت موسی علیه السلام . برخی دیگر مراد از «ذکر» را قرآن کریم می دانند (البته با توجه به اینکه در خود قرآن، کلمه ذکر برای قرآن آمده است). در این صورت مراد از کلمه «بعد» در آیه، بعد بودن از جهت رتبه است، نه زمان.

کلمه «ارض» وقتی به صورت مطلق و بدون قرینه می آید، همه کره زمین را در بر می گیرد و مراد از «وراثتِ زمین» این است که سلطه بر منافع و استفاده از آنها از دیگران، به بندگان صالح منتقل شده و برکات زندگی نصیب ایشان و مختصّ آنان خواهد

شد.

«وراثت زمین» طبق آیه شریفه به انسان هایی خواهد رسید که دارای دو صفت بسیار مهم باشند:

۱. «عبد خدا» بوده و هیچ استقلالی برای خود قائل نیستند. همه وجودشان را برای خدا قرار داده اند و مُهر عبودیت بر پیشانی شان می درخشد. اینان به مرز ایمان و توحید واقعی رسیده اند و همه چیز را در شعاع وجود او و برای او و به سوی او می بینند.

۲. «صالح» و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری را دارا هستند.

برخی بر این باورند که تفسیر آیه، مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است و حتی اگر در روایتی، به آن حضرت اشاره نشده بود، باز هم آیه حکومت او را مطرح می کند؛ زیرا:

۱. قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام یکی از امور مسلّم در معارف اسلامی است.

۲. بیان خداوند در آیه، به صورت وعده است؛ یعنی، وعده داده که زمین در اختیار بندگان صالح قرار می گیرد. «کَتَبَ» در اصطلاح از امری حتمی و قطعی حکایت دارد.

ص:۴۶

در مفردات راغب، آمده است: از حکم امضا شده واز اثبات، به کتابت تعبیر می شود شیء ابتدا به ذهن می آید و مورد خواست انسان قرار می گیرد، سپس به گفت و گو می گذارد و پس از تصویب و پذیرفتن، برای عملی شدن ثبت و مکتوب می شود.

۳. کلمه «ارض» در آیه، سراسر کره زمین را شامل می شود و این فقط در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقّق خواهد یافت.

۴. «ارث بردن»، یعنی اینکه وارث در نحوه استفاده از مال و همه منافع آن، اختیار کامل داشته باشد و چنین استفاده ای از منافع زمین، تنها در زمان ظهور برای «بندگان صالح» فراهم است.

البته، عده ای دیگر این برداشت را نمی پذیرند؛ بلکه معتقدند: آیه عام است و در هر زمان امکان دارد عده ای از «بندگان صالح» خدا زمین را به «ارث» ببرند؛ هر چند محدوده ای معین و کوچک از زمین را در اختیار داشته باشند و با برقراری حکومت دینی، بتوانند از منافع شان بهره ببرند. با این همه، حکومت امام زمان علیه السلام مصداق کامل و

تمام این آیه شریفه است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

«و قوله (وَلَقَدْ کتَبنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعدِ الذِّکر)قال: اَلکتُبُ کلُّها ذِکر، (وَاَنَّ الاَرضَ یرِثُها عِبادِی الصالِحُونَ) قالَ: اَلْقائِمُ علیه السلام وَاَصحابُه»؛(۱)

مراد از کلمه «ذکر» در «وَلَقَد کتَبنا...» همه کتاب های [پیامبران]است. و مراد از «اَنّ الاَرضَ...» قائم علیه السلام و یاران او می باشد.

از روایت بالا استفاده می شود که این وعده الهی در همه کتاب های آسمانی بیان شده است.

با نگاهی کوتاه به زندگی و آرمان های انسان ها از آغاز تاکنون، به روشنی در می یابیم که یکی از بزرگ ترین آرزوها و خواسته های همه پیامبران و اولیا و انسان های طالب حق و آزاد اندیش، بر پایی جامعه توحیدی و حکومتی بر پایه فرمان های آسمانی و عدالت

۱- مجمع البیان ، ج ۴، ذیل آیه

گستر الهی است تا در پناه آن با دستیابی عادلانه و صحیح بر منافع و منابع موجود، انسان ها به سعادت ممکن و بالندگی و رشد روزافزون و کسب درجات کمال در خور شأن خویش برسند. روشن است که این امید و آرزو زمانی محقق می گردد که حاکمی عادل، کاردان و توانا، در رأس آن قرار گیرد و خود را موظّف به انجام فرمان های الهی بداند.

اینک ما در عصری به سر می بریم که تنها و تنها این امید، از آخرین خورشید هدایت و امامت انتظار می رود؛ او که نامش در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام و به حدّ «تواتر» و یقین بیان شده و جای تردید در این زمینه وجود ندارد.

با توجه به ذیل آیه «وعد اللّه» از این آیه نیز وجود امام زنده حاضر استفاده می شود.

چهار. وراثت و پیشوایی مستضعفان

خواست خدا

(وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي اْلْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ

نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ)(۱)

«و می خواهیم کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

این آیه مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام است. خداوند می فرماید: موسی علیه السلام در عصری به دنیا آمد و بزرگ شد که فرعون طغیان کرده و ادعای ربوبیت داشت. او بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و دستور قتل فرزندان آنان را داده بود و می خواست آنها را نابود کند؛ در حالی که اراده خداوند چیز دیگری بود. او می خواست بر آنان منت گذارد و آنان را پیشوا قرار دهد تا پس از سال ها، پیشوا و وارث در زمین باشند پس از آن که زمین در دست دیگران بود، و آنان را در زمین مکنت دهد و حکومت قوی و پابرجا به آنان ارزانی دارد تا بتوانند از آن استفاده کنند.

هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل و حضرت

ص:۵۰

۱- قصص / ۵

موسی علیه السلام است؛ ولی می دانیم که خداوند از گفتن این داستان ها هدف دارد و گویا می خواهد بگوید: مستکبران و زورمداران ادامه حیات و حکومت خود را در استثمار مستضعفان می دانند و به دنبال آنند که به گونه ای از آنان بهره کشی کنند و در نهایت آنها را از هستی و حیات مناسب محروم سازند؛ ولی اراده خداوند بر خلاف خواست قدرتمندان است و به بندگان خود کمک می کند. لذا در اینجا از فعل مضارع بهره گرفته که دلالت به استمرار دارد و می گوید: اراده دائمی و سنت ما چنین است که به مستضعفان (لایق) کمک کنیم.

این آیه بشارتی است برای همه حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود. بیشتر از هر چیز دیگر، این آیه، به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی علیه السلام مربوط می شود و قیام امام زمان علیه السلام ، مصداق کامل و تمام آن قرار می گیرد. امام علی علیه السلام درباره این آیه فرمود:

«هُمْ آلُ مُحَمَّد یبْعَثُ اللّهُ مَهدِیهم بَعدَ جَهْدِهِم

ص:۵۱

فَیعِزُّهُم وَیذِّلُ عَدُوَّهم»؛(۱)

این افراد خانـدان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را... بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشـمنانشان را خوار و ذلیل می سازد.

خداوند در آیه، تعبیر «منت» را آورده و این نشانه عظمت و بزرگی این مسأله است؛ چرا که خداوند در موارد خاصـی _ مانند فرستادن پیامبران _ تعبیر منت آورده است:

(لَقَدْ مَنَّ اللّهُ عَلی الْمُؤمِنینَ اِذْ بَعَثَ فِیهِم رَسُولا)؛(۲)

«به راستی خداوند بر مؤمنان منت نهاد که در میان آنان رسولانی برانگیخت».

بنـابراین، اراده الهی بر این است که مظلومـان و محرومان، بر جباران و سـتمگران غلبه کرده و وارث زمین و صاحب اختیار آن شوند و با برپایی حکومت عدل، رهبری همیشگی بشریت را بر عهده گیرند و این اراده خدا تخلف ناپذیر است.

شیخ صدوق(ره) در «کمال الدین» روایات

ص:۵۲

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه ، ص ۱۸۴
۲- آل عمران / ۱۶۴

ولادت آن حضرت را نقل کرده است. طبق این روایت، هنگامی که حضرت به دنیا آمد، ابتدا به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت ائمه اهل بیت علیهم السلام شهادت داد و سپس آیه یاد شده را تلاوت فرمود.(۱)

با توجه به ذیل آیه «وعد اللّه...»، وجود امام زنده نیز استفاده می شود؛ چرا که هر حکومتی رهبری زنده و حاضر می خواهد.

پنج. حیات دوباره

(اعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ یحْی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَینّا لَکمُ الْآیاتِ لَعَلَّکمْ تَعْقِلُونَ)؛(۲)

و بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید.

خداوند پس از آنکه مؤمنان را مورد نکوهش قرار داد که آیا وقت خشوع نرسیده است. در ادامه به حیات زمین اشاره می کند؛ گویا می خواهد میان قلب هایی که مرده اند و

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱ و ۲

۲- حدید / ۱۷

با ذکر الهی زنده می شوند، با زمین مرده ای که به برکت قطرات باران دوباره زنده و سرسبز می شود، شباهت برقرار کند. در اینجا خداوند می فرماید: چنین حیاتی تحقق می یابد (یحی الارض). اگر این آیه با آیه قبل ارتباط داشته باشد (که دارد)، می توان استفاده کرد که دل های مرده نیز به خواست او زنده خواهد شد. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه فرمود:

«یحییها اللّهُ عَزَّوَجَلَّ بِالقائِمِ علیه السلام بَعدَ مَوتِها، بِمَوتِها: کفرُ اَهْلِها، وَالکافِر مَیتٌ»؛(۱)

خدای تعالی زمین را به واسطه قائم علیه السلام زنده می کند، پس از آنکه مرده باشد، و مقصود از مردن آن، کفر اهل زمین است و کافر همان مرده است.

شیخ کلینی(ره) از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند (اعلموا ان اللّه یحی الارض بعد موتها)نقل می کند که حضرت

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، باب ۵۸، ح ۴

فرمود: «العَدلُ بَعدَالجُور».(۱)

چند نکته

۱. همان طور که حیات زمین به خواست و اراده خدا بر قرار است و خداوند حیات دوباره زمین را می خواهد، حیات انسان ها نیز مورد خواست و اراده او است و خداوند می خواهد آنان حیاتی دوباره پیدا کنند.

۲. همان طور که حیات مجدد زمین به آمادگی زمین و وجود شرایط بستگی دارد، حیات دوباره انسان ها نیز به آمادگی مردم برای ظهور و حصول شرایط نیاز دارد.

شش. امام، نعمت الهی

(أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللّهَ سَخَّرَ لَكمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیكمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَ باطِنَةً وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یجادِلُ فِی اللّهِ بِغَیرِ عِلْم وَ لا هُدًی وَ لا كتاب مُنیر)؛(۲)

«آیا ندانسته اند که خدا آنچه را که در آسمان ها و زمین است، مسخّر شما

۱- کلینی، کافی ، ج ۸، ص ۲۶۷، ح ۳۹۰
۲- لقمان / ۲۰

ساخته و نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم درباره خدا بی آنکه دانش و رهنمود و کتابی روشن داشته باشند، به مجادله بر می خیزند».

تفسیر آیه

خداوند در این آیه به انسان ها خطاب کرده و نعمت های بی پایان خویش را به آنان گوشزد می کند: آیا شما به آسمان ها و زمین نگاه و در نظام شگرف آن تأمل نمی کنید که خدای متعال چگونه سراپای عالم را مسخّر و محکوم این نظام کرده است تا انسان (شریف ترین عضو آن) پدید آید و با استفاده از نعمت ها به کمال برسد. خداوند در این امر سنگ تمام گذاشت و نعمت های ظاهری و باطنی را برای شما گسترش داده و تمام کرده است. «نعمت» برای چیزی استعمال می شود که با طبع و وجود آدمی سازگار باشد. «نعمت»های خدا هم «ظاهری» است که انسان به راحتی آنها را حس و درک می کند؛ (مانند اعضای بدن، سلامتی و رزق پاک و طیب، و هم «باطنی» است (مانند: شعور و

اراده و عقل). هر چنـد لطف الهی بسیار روشن و غیر قابل انکار است ولی باز گروهی از مردم به جدال و ستیز در برابر حق بر می خیزنـد و بی آنکـه دارای دانش و یـا علمی باشـند، بـه انکـار حقیقـت می پردازنـد. اینـان بـدون تکیه بر حجت هـای قـابل اعتمادیماننـد علم و عقل، حقایق و الهام های الهی و کتاب های آسـمانی به مجادله روی می آورنـد و می خواهند حقیقت و واقعیت را منکر شوند!

تأویل آیه

یکی از مصـادیقی که برای «نعمت ظاهر» و «نعمت باطن» ذکر شـده «امام ظاهر» و «امام غایب» است. محمـد بن زیاد ازدی می گوید:

«سَأَلْتُ سَـیدی مُوسـی بنَ جَعفَر علیه السلام عَنْ قَول اللّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَأَسبَغَ عَلَیکمْ نِعمَهُ ظاهِرَهً و باطِنَه)فقال صلی الله علیه و آله و سلم : اَلنِعمَهُ الظـاهِرَهُ الاِمـامُ الظـاهِر وَالبـاطِنَهُ الامـامُ الغایبُ فَقُلْتُ لَهُ وَیکونُ فی الاَئِمَهِ مَن یغیبُ؟ قالَ: نَعَم یغیبُ عَنْ ابصارِالنّاسِ شَخصُهُ وَلایغیبُ عَنْ قُلُوبِ المُومِنینَ ذِکرُه وَهُوَ الثانِی عَشَر مِنّا یسهلَ

ص:۵۷

اللّهُ لَهُ کلَّ عَسیر و یذَلِّلُ لَهُ کلَّ صَعْب وَیظْهِرُ لَهُ کنُوزَ الارضِ وَیقَرِّبُ لَهُ کلَّ بَعید وَ یبیرُ بِه کلَّ جَبار عَنید وَیهْلُک عَلی یدِه کلَّ شَیطان مرید: ذلِک ابنُ سَیدَهِ الاماءِ الَّذِی تُخفی عَلی الناسِ وِلادَتُه و لایحِلُّ لَهُمْ تَسمِیتُه حَتی یظهِرَهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ فَیملأُ الاَرضَ قِسطاً و عَدلا کما مُلِئَتْ جَوراً وَظُلما»؛(۱)

از سرور خودم امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره کلام خدا «وَاَسبَغَ عَلَیکم...» پرسیدم، حضرت فرمود: نعمت ظاهری امام ظاهر است و باطنی امام غایب. گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غایب شود؟ فرمود: آری شخص او از دیدگان مردم پنهان می شود، اما یاد او از قلوب مؤمنان غایب نمی شود و او دوازدهمین ما امامان است. خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و به دست وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر

۱- کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، ب ۳۴، ح ۶

شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد. او فرزند سرور کنیزان است. کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنان روا نیست تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

چند نکته

۱. «نعمت»، چیزی است که موافق سرشت آدمی باشد و او را در رسیدن به کمال یاری کند. اینکه «امام غایب» به «نعمت باطنی» تشبیه شده، به این دلیل است که هر چند غیبت او از جهتی برای انسان ها مشکلاتی را به همراه دارد؛ ولی از جهاتی نیز در تکامل انسان اثر خاصی دارد که انسان ها نباید از آن غافل شوند؛ مانند امتحان ویژه، پاداش فراوان و... .

۲. خداوند نظام احسن را آفرید و «نعمت امامت» را بر انسان ها تمام کرد؛ ولی استفاده از آن به دست خود آدمی است و او باید بخواهد تا از آن بهره ببرد، نه آنکه جبر باشد.

۳. «امام غایب»، «نعمت» است؛ از این رو باید امکان بهره بردن از او فراهم باشد. از

طرفی غیبت امام برای مؤمن، تنها پنهان بودن از چشم است، نه قلب و لذا یاد او همیشه در قلب مؤمن هست و همین عامل پویایی و تلاش او است.

۴. «امام نعمت کامل» خدا است؛ پس ظهور و غیبت او در اصل یاری رسانی به مردم و بهره بردن مردم از او تأثیر زیادی ندارد. بر این اساس، وجودگرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام ــ و حتی خود امام زمان علیه السلام ــ «امام غایب» را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند

هفت. شناخت امت ها با پیشوایشان

(یوْمَ نَدْعُوا کلَّ أُناس بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِی کتابَهُ بِیمینِهِ فَأُولئِک یقْرَؤُنَ کتابَهُمْ وَ لا یظْلَمُونَ فَتیلًا)؛(۱)

«یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم. پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخ هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود.

۱- اسراء / ۷۱

تفسیر آیه

خداونـد متعال در ابتـدای آیه به مسأله بسـیار مهم رهبری و نقش تعیین کننـده آن در سـرنوشت انسان ها پرداخته، می فرمایـد: روز قیامت هر گروهی را با امام و رهبرشان می خوانیم (یومَ نَـدعُوا کلَّ اُناس بِاِمامِهِم). مراد آیه این است که انسان ها هر رهبر و پیشوایی را در زمان خود برگزینند، در روز قیامت همراه او خواهند بود. اگر آنان رهبری پیشوای دینی (پیامبر یا جانشـین او) را در زمـان خود بپذیرنـد، بـا او محشور خواهنـد شـد و اگر رهـبری شـیطان و پیشوایـان گمراهی را انتخـاب کننـد، همراه آنها خواهنـد بود. پس در هر زمـان هم امـام نور وجود دارد و هم امام نار و هر کس امامت هر کـدام را برای خویش برگزینـد، در روز قیامت با او خواهد بود.

چنین تعبیری در عین اینکه یکی از اسباب تکامـل انسـان را بیان می کنـد، به او نیز هشـدار می دهـد که در انتخاب رهبر دقت لازم را داشته باشد و راهبری اندیشه و برنامه زندگی خود را به دست هر کس نسپرد. او باید بداند رهبر در

ص:۶۱

نوع عملکرد آدمی، تأثیر گذار بوده، او را در روز قیامت در صف «اصحاب یمین» (افرادی که نامه عمل آنان به دست راست شان داده می شود) و یا در گروه «اصحاب شمال» (افرادی که نامه عمل آنها به دست چپ شان داده می شود) قرار می دهد.

تأویل آیه

از این آیه شریفه استفاده می شود که در هر زمانی، باید امام نور و پیشوای آسمانی باشد تا در روز قیامت، مردم زمان او با وی محشور شوند. توجّه به این نکته بایسته است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آخرین پیامبر الهی بود و از طریق عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعه) از آن حضرت نقل شده که بعد از من دوازده نفر خلیفه و جانشین هستند. در روایات نخستین آنها امام علی علیه السلام و آخرین شان امام مهدی علیه السلام معرفی شده است. از مطالب یاد شده به دست می آید که یکی از مصادیق امام در این آیه امام مهدی علیه السلام است.

کلینی(ره) از فضیل بن یسار نقل می کند:

«سَألتُ اَبا عبدِاللّه صلی الله علیه و آله و سلم عَنْ قَولِ اللّه تبارَک و تَعالی (یومَ نَدعُوا کلَّ اُناس

بِامامِهِم)؟ فقالَ: يا فُضَيل اِعرِفْ اِمامَک لَمْ يضُرُّک تَقَدَّمَ هَـذَا الاَمر أو تَأَخَّرَ وَمَنْ عَرَفَ اِمامَهُ ثُمَّ ماتَ قَبلَ اَنْ يقُوم صاحِبُ هذَا الاَمرِ کانَ بِمَنزِلَهِ مَنْ کانِ قاعِداً فِی عَسکرِهِ لا بَل بِمَنزَلَهِ مَنْ قَعَدَ تَحتَ لِوائِهِ»؛(۱)

از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه یومَ نَدعُوا کلُّ اُناس بِاِمامِهِم پرسیدم، حضرت فرمود: ای فضیل! امامت را بشناس. پس به درستی که اگر امامت را شناختی به تو ضرر نمی رسد که این امر (زمان فرج و قیام) جلو بیفتد یا به تأخیر. کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر از دنیا برود، مانند کسی است که در لشکر حضرت قرار دارد. نه، بلکه مثل کسی است که در زیر پرچم آن حضرت باشد.

اینکه حضرت، کلمه «امام» را به صورت مفرد می آورد و از ضمیر مخاطب استفاده می کند، به دست می آید که هر چند معرفت همه امامان لازم است؛ ولی معرفت و شناخت

۱- کافی ، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲

امـام زمـان، جایگـاه ویژه ای دارد و انسان بایـد توجّه خاصـی به او داشـته باشـد. لازمه این بیان، این است که امام، بایـد در هر زمانی باشد. در روایتی دیگر امام علیه السلام چنین می فرماید:

«فَمَنْ عَرفَ اِمامَهُ کانَ کمَنْ کانَ فِی فُسطاطِ المُنتَظَر علیه السلام »؛(۱)

پس، کسی که امامش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه منتظر(امام) باشد.

از این بیان استفاده می شود که امام صادق علیه السـلام در معرفی امام منتظر ــ به عنوان یکی از مصادیق امام در آیه شریفه ــ عنایت ویژه ای دارد و روایت پیشین را به قیام صاحب الامر ربط می دهد.(۲)

چند نکته

در این روایات نسبت به «معرفت امام» توجهی ویژه شده و وظیفه اصلی و مهم هر

ص:۶۴

۱- کافی ، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۷

۲- این روایتها در کتاب های متعـددی نقل شده است؛ ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، ج ۵، ص ۲۳۱

فرد، شناخت امام زمان دانسته شده است.

۱. در اهمیت معرفت می توان گفت: آدمی موجودی دارای اختیار و اراده و در نوع انتخاب خود آزاد و مستقل است. لازمه انتخاب، وجود راه های متعدد است. برای انتخاب راه صحیح و رسیدن به هدف نهایی و کمال مطلوب، به معرفت و شناخت درست و کامل نیاز است. شناخت نادرست یا ناقص، باعث می شود راهی نامناسب انتخاب و پیموده شود که به سرانجام نیک، پایان نمی پذیرد.

در میان شناخت ها، معرفت امام اهمیت ویژه ای دارد؛ چرا که خداوند سرپرستی امور انسان ها را به عهده امام گذاشته است. آنان نیز باید پیرو و فرمان بردار او باشند و زمام امور و زندگی خود را به دست او داده و حول محور او بچرخند. در این صورت طبیعی است که انسان باید بداند اختیار زندگی خویش را به دست چه کسی می سپارد.

۳. «معرفت امام» باعث می شود که انسان با وظیفه خود در زندگی آشنا شده و به آنچه امام از او بخواهد، عمل کند. اطاعت امام، اطاعت از خداوند است: (اَطیعُوا اللّه

وَاَطیعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِی الاَمْرِ مِنْکمْ)(۱). چنین کسی در راه بندگی خدا گام می نهد و از چیزی نمی ترسد و چیزی نیز به او آسیب نمی رساند؛ چرا که خداوند عهده دار او است: (اللّهُ وَلِی الَّذین آمَنُوا)(۲)

۴. پاداش این فرد، همانند ثواب کسی است که در لشکر حضرت حاضر بوده و از یاران آن بزرگوار است.

هشت. ذخیره الهی

(بَقیهُ اللّهِ خَیرٌ لَکمْ اِنْ کنتُم مُؤمِنینَ وَما اَنا عَلَیکمْ بِحَفیظ)؛(۳)

« ذخیره خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید و من نگهبان شما نیستم».

تفسیر آیه

این آیه در ادامه آیاتی است که درباره گفتوگوی شعیب علیه السلام با قومش در رابطه با چگونگی معامله و مسائل مادی است. در پایان به آنان گوشزد می کند که ثروت فراوانی که از راه نادرست به دست آید، مفید نبوده و هنگام

۱- نساء / ۵۹

۲- بقره / ۲۵۷

۳- هود/ ۸۶

نیاز، به کار نمی آید؛ بلکه مال حلال برای شما بهتر است. این در صورتی است که ایمان داشته باشید؛ زیرا این مال باقی بوده و برکات الهی را برای شما به همراه خواهد داشت. درک این واقعیت و کسب برکات، وقتی است که شما به خداوند ایمان داشته باشید.

تأویل آیه

در روایات متعدد مصداق کامل و تمام «بقیه اللّه» حضرت مهدی علیه السلام معرفی شده و این لفظ به آن جناب تأویل گشته است. صدوق(ره) در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«اَلقائُمُ مِنّا منصُورٌ بِالرُّعبِ، مؤیدٌ بِالنَّصرِ، تُطوی لَهُ الاَرضُ وَتَظهَرُ لَهُ الکنُوزُ یبْلُغُ سُلطانُهُ المَشرِقَ والمَغرِبَ وَیظهِرُاللّهُ عَزَّوَجَلَّ بِه دینَهُ عَلی الدِّینِ کلِّهِ وَلَوکرِهَ المُشرِکونَ، فَلا یبقی فِی الاَرضِ خرابٌ اِلا قَدْ عُمِرَ، وَینزِلُ روحُ اللّهِ عِیسَی بنُ مَریم(علیها السلام)فَیصَلّی خلفَهُ. قالَ قُلتُ: یابنَ رَسُولِ اللّه مَتی یخرُجُ قائِمُکمْ، قالَ: اِذا تَشَبَهَ الرِّجالُ بِالنِساءِ وَالنِساءُ بالرّجالِ، وَأکتَفی الرِجالُ بِالرّجالِ والنِساءُ بِالنِّساءِ وَرَکبَ ذَواتُ الفُرُوجِ السُّروجَ

وَقُبِلَتْ شَهاداتُ الزُورِ وَرُدَّتْ شَهاداتُ العُدُولِ واستَخَفَّ الناسُ بِالدِّماءِ وارتِكابِ الزنا وَأكلِ الرِّبا واتُّقِی الَاشرارُ مَخافَهَ اَلسِنَتِهِم وَخُروجَ السُفِیانی مِنَ الشامِ والیمانِی مِنَ الیمنِ وخَسف البِیداء وَقَتلَ غُلام مِن آلِ مُحَمد بینَ الرُّکنِ والمَقام اِسمُهُ مُحمدُ بن الحَسَنِ النَفسُ الزَکیهُ وجائَتْ صَیحَهٌ مِنَ السَّماءِ بِانَّ الحَقَّ فِیهِ وَفِی شِیعَتِه، فَعِندَ ذلِک خُرُوجُ قائِمِنا. فَإذا خَرَجَ أسنَدَ ظَهرَهُ اِلَی الکعبَهِ وَاجتَمَعَ اِلَیه ثَلاثُمِأه وَثُلاثَهَ عَشَرَ رَجُلا وَاولُ ما ینطِقُ بِهِ هَذِه الایهِ «بَقیه اللّه خَیرٌ لَکمْ اِنْ کنْتُم مُؤمِنینَ» ثُمَّ یقُولُ: انَا بَقیهُ اللّهِ فِی اَرضِه وَخَلیفَتُه وَحُجَّتُه عَلَیکمْ فَلا یسلمُ عَلَیهِ مُسلِمٌ اِلا قال: اَلسَلامُ عَلَیک یا بَقیه اللّه فِی أرضِه...»؛(۱)

قائم ما یاری شده به رعب و ترس است (ترس از او در دل دشمنان قرار

ص:۶۸

۱- کمال الـدین و تمام النعمه ، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶. این روایت در کتاب های متعـددی ذکر شده است؛ ر.ک: معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ج ۵، ص ۱۷۶

می گیرد) و بـه نصـرت و پیروزی مـدد گرفته. زمین برای او درنوردیـده شـود و گنـج هـا برای او ظـاهر می شـود و سـلطنت و حکومتش شـرق و غرب عالم را فرا گیرد و خـدای متعال به واسـطه او دینش را بر همه ادیان چیره گردانـد؛ گرچه مشـرکان را ناخوش آیـد و در زمین ویرانه ای نمانـد، جز آنکه آباد گردد و روح اللّه عیسـی بن مریم فرود آید و پشت سـر او نماز گزارد. راوی گویـد: گفتم: ای پسـر رسول خـدا! قائم شـما کی خروج می کند؟ فرمود: آن گاه که مردان خود را شبیه به زنان کنند و زنان، خود را مشابه مردان نماینـد و مردان به مردان بسـنده کننـد و زنان به زنان، و زنان بر زین ها سوار شونـد و شـهادت های دروغ پـذیرفته شود و شـهادت هـای عادلان مردود گردد و مردم خون ریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سـبک شـمارند و از اشـرار به خاطر زبان شان پرهیز شود و سـفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن، و در بیداء خسـفی واقع شود و جوانی از آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم ــ که نامش محمد بن حسن، نفس زکیه است ــ بین رکن و مقام کشـته شود و صیحه ای از آسمان بیاید

ص:۶۹

و بگوید: حق با او و شیعیان او است. در این هنگام است که قائم ما خروج می کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و ۳۱۳ مرد به دور او اجتماع کنند و نخستین سخن او این آیه از قرآن است: (بَقیهُ اللّه خَیرٌ لَکم اِنْ کنتُم مُؤمِنین). سپس می گوید: «منم بقیه اللّه در زمین و منم خلیفه خداوند و حجت او بر شما» و هر درود فرستنده ای، به او چنین سلام گوید: «السلامُ علیک یا بَقیهَ اللّه فِی أرضِه».

امام باقر علیه السلام ضمن بیان برخی از ویژگی های دوران ظهور و بعضی از علایم ظهور، به محل قیام حضرت مهدی علیه السلام (مکه) اشاره دارد و چگونگی سلام دادن اصحاب و مردم را به آن حضرت بازگو می کند. در این زمان خود امام مهدی علیه السلام ابتدا به معرفی جایگاه خویش می پردازد. کلینی(ره) در روایتی نقل می کند:

«عمر بن زاهر عن ابی عبداللّه علیه السلام قالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ القائِم یسلَمْ عَلَیهِ بِاِمْرَهِ المؤمِنینَ قال: لا ذاک اِسمٌ سَمَّی اللّهُ بِه اَمیرَالمُؤمِنینَ علیه السلام لَمْ یسَمُّ به اَحَدٌ قَبْلَهُ وَلایتَسَمّی

ص:۷۰

بِهِ بَعدَهُ اِلّا کافِرٌ. قُلتُ: جُعِلْتُ فِداک کیفَ یسْلَمُ عَلَیه، قالَ: یقُولُونَ: السَلامُ علَیک یا بَقِیهَ اللّهِ. ثُمَّ قَرَأ: «بَقیهُ اللّهِ خَیرٌ لَکم اِن کنتُم مُؤمِنینَ»؛(۱)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به قائم به (لفظ) امیرالمؤمنین سلام گفته می شود؟ حضرت فرمود: نه این اسمی است که خدا به این اسم امام علی علیه السلام را نامیده است. کسی قبل از او به این نامیده نشد و بعد از او نیز نامیده نمی شود، مگر کافر.

گفتم: فدای شما بشوم! چگونه بر او سلام گفته می شود؟ حضرت فرمود: می گویند: «السَلامُ عَلَیک یا بَقِیهَ اللّهِ». سپس حضرت این آیه را خواند: (بَقیهُ اللّه خیرٌ لَکمْ اِن کنتُم مُؤمِنین).

بقیه اللّه کیست؟

با توجه به لغت و کاربرد آن (به خصوص

۱- کافی ، ج ۱، ح ۲، ص ۴۱۱. این روایت در کتاب های متعددی ذکر شده است؛ ر.ک: معجم احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ج ۵، ص ۱۷۶

در آیه شریفه)، می توان گفت که «بقیه اللّه»؛ یعنی، هر شیء مفید و نافعی که از طرف خدا (به عنوان موهبت) برای آدمی ذخیره می شود و مایه خیر و سعادت و فلاح او می گردد. چون حضرت مهدی علیه السلام آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی است، پس یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه اللّه» می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است. به ویژه که او تنها باقی مانده از سلسله پیامبران و امامان است و خداوند به واسطه او به مؤمنان عزت می دهد و دشمنان را خوار و ذلیل می کند: «اَینَ مُعزُّ الاولِیاءِ وَمُـِذِلّ الاَعـداءِ» و بناهای شرک و نفاق را منهدم می کند: «اَینَ هادِمُ اَبنِیهِ الشِّرک وَالنِّفاقِ» و دین را احیا می کند: «اَینَ مُحیی مَعالِم الدِّینِ وَاَهلِه».(۱)

چند نکته

۱. انسان در برخورد با پیشوایان باید سعی کند از چهارچوب دین و دستورات ائمه علیهم السلام خارج نشود و آنچه که آنان می گویند، انجام

ص:۷۲

۱- سید بن طاوس، الاقبال ، ص ۲۹۷

دهد. امام صادق علیه السلام در این روایت به پرسشگر یادآور می شود که حتی برای سلام نیز نباید فقط به فکر و عقل خود بسنده کرد؛ بلکه باید مقررات دینی را رعایت نمود. اگر خداوند بر اساس مصالحی نام و یا وصفی را به شخصی اختصاص داده، باید حریم آن حفظ شود.

۲. هر چیزی که رنگ الهی پیدا کند، برای انسان خیر و رستگاری به همراه دارد. جامعه نیز _ که شأنی از شئون زندگی انسانی است _ علاوه بر قانون، نیاز به مجری و حاکم دارد. یک پیشوای، الهی، قطعاً سعادت آدمی را نیز در آن جامعه، به ارمغان می آورد.

نه. قیام قائم

(سَنُریهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فی أَنْفُسِهِمْ حَتّی یتَبَینَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ وَ لَمْ یکفِ بِرَبِّک أَنَّهُ عَلی کلِّ شَیء شَهیدٌ)؛(۱)

«به زودی نشانه های خود را در افق های گوناگون و در دل های آنان، بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی

ص:۷۳

۱- فصلت / ۵۳

نیست که پروردگارت، خود شاهد هر چیزی است؟

تفسیر آیه

خداوند متعال در این آیه می فرماید: ما به زودی آیات و نشانه های «آفاقی» و «انفسی» را به آنان نشان می دهیم تا روشن شود که حق کدام است. در اینجا چند احتمال وجود دارد:

۱. نشانه های «آفاق» می تواند آفرینش خورشید و ماه و ستارگان و انواع موجودات زمینی با نظام دقیق آنها و نشانه های «اَنفُس» آفرینش دستگاه های مختلف در درون بدن باشد.

۲. منظور از نشانه های «آفاقی»، پیروزی هایی است که در آینده نصیب مسلمانان در میدان های مختلف جنگ و گسترش اسلام در مناطق گوناگون جهان می شود؛ و منظور از نشانه های «انفسی» نشانه هایی است که به مشرکان مکه نشان داده شد؛ مانند پیروزی مسلمانان در جنگ.

۳. مراد از نشانه ها، غلبه دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان باشد.

ص:۷۴

تأویل آیه

در روایات متعددی از حق، به قیام و خروج امام مهدی علیه السلام تأویل شده است. ابوبصیر گوید:

«قُلتُ لَهُ (ابی عبداللّه علیه السلام): حَتّی یتَبَینَ لَهُم اَنَّهُ الحَقُّ قالَ: خُروجُ القائِمِ هُوَ الحَقُّ مِن عِندِاللّه عزَّوَجَلَّ یراهُ الخَلقَ لابُدَّ مِنه»؛(۱)

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: [مراد خداوند از] حَتّی یتَبَینَ اَنَّهُ الحَقُّ چیست؟ فرمود: «خروج قائم حقی است از طرف خدا، خلق او را می بینند و چاره ای از آن نیست».

ابوبصیر همین روایت را از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.(۲)

نکته

حق و حقیقت امری است که گذر زمان و حوادث روزگار آن را از بین نمی برد، بلکه خدا می خواهد آن را آشکار کند تا مردم

ص:۷۵

۱- کافی، ج ۸، ح ۵۷۵، ص ۳۸۱

۲- نعمانی، الغیبه، باب ۱۴، ح ۴۰

بدانند فرجام کار در نهایت با راستی و درستی است و تجلّی کامل این بروز و ظهور، با قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

ده. علامت قیام

(فَإِذا نُقِرَ فِي النّاقُور)؛(۱)

«پس چون در صور دمیده شود».

تفسیر آیه:

«ناقور» به معنای کوبیدنی است که به سوراخ کردن می انجامد. به شیپوری که صدای آن گوش انسان را سوراخ کرده و در مغز فرو می رود نیز «ناقور» می گویند. این جمله کنایه از «نفخ صور» است. از آیات و روایات مختلف استفاده می شود که دو بار در صور دمیده می شود: نخست در پایان دنیا و آن صدای مرگ است و دومی در آغاز رستاخیز و آن صدای بیداری است. این صدا به گونه ای است که سراسر جهان را فرا می گیرد و همه مردم آن را می شنوند.

تأویل آیه

هر چند این آیه به «نفخ صور قیامت»

ص:۷۶

۱- مدثر / ۸

تفسیر شده است؛ ولی در بعضی از روایات، این آیه به الهام و اذن خدا به قیام امام مهدی علیه السلام تأویل شده است:

«عَنْ مُفَضَّلِ بنِ عُمَر عَنْ اَبِی عَبدِاللّه علیه السلام فِی قَولِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ (فَاِذا نُقِرَ فِی الناقُور)؟ قالَ: اِنَّ مِنّا اِماماً مُظَفَّراً مُستَتِراً فَاِذا اَرادَ اللّه عَزَّ ذِکرُه اِظهارَ اَمْرِه، نَکتَ فِی قَلبِه نُکتةً فَظَهَرَ فَقامَ بِاَمرِاللّهِ تَبارَکَ وَتعالی».(۱)

چند نکته

۱. حرکت ویژه نیاز به اذن خاص دارد و انسان در هر زمان باید پیرو و مطیع دستور مولا باشد. امام مهدی علیه السلام نیز برای ظهور تابع اذن و اجازه خداوند است. و تا زمانی که صور دمیده نشده، باید حرکت عادّی ادامه یابد و تا اذن داده نشود، نباید قیام نهایی حضرت صورت گیرد.

۲. حرکت باید بر اساس خواست و اوامر خدا باشد و تفسیر به رأی و اظهار نظر و برخورد بیرون از چهارچوب مقررات دین و

۱- کافی، ج ۱، ح ۳۰، ص ۳۴۳

فرمان های الهی، پذیرفته نیست.

یازده. اجتماع یاران

(وَ لِكلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلّيها فَاسْتَبِقُوا الْخَيراتِ أَينَ ما تَكونُوا يأْتِ بِكمُ اللّهُ جَميعًا إِنَّ اللّهَ عَلى كلِّ شَىء قَديرٌ)(۱)؛

«و برای هر کس قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی]می گرداند، پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد؛ در حقیقت خدا بر همه چیز توانا است».

تفسیر آیه

این آیه مربوط به واقعه عجیب و مهم «تغییر قبله» است. قبله مسلمانان در آغاز، بیت المقدس بود و آنان به سوی این مکان شریف نماز می گزاردند تا اینکه دستور تغییر قبله در سال اول هجرت صادر شد و مؤمنان موظّف شدند تا به سوی کعبه بایستند و نماز بخوانند. این کار بر یهودیان گران آمد و آنان

۱- بقره/ ۱۴۸

درباره تغيير قبله، هياهو و سر و صدا به راه انداختند! خداوند براى پاسخ گويى، به يک قاعده و قانون مهم اشاره دارد که براى هر طايفه و گروه، قبله و جهت خاصى از سوى خداوند تعيين شده که آنان بايد به آن سمت، روى خود را بگردانند.

بحث قبله از اركان اصلى يک دين (مانند توحيد و معاد) نيست که قابل تغيير نباشد؛ بلكه از فروع آن به شمار مى رود و بر اساس مصلحت مى تواند دچار تغيير گردد. بنابراين، مردم به جاى پرداختن به اين امور فرعى و گفتوگوهاى بيهوده، به سوى نيكى ها و خوبى ها روى آورند و در انجام آنها از يكديگر پيشى بگيرند؛ چرا که آنچه براى آنان مى ماند و باعث رشد و كمال مى شود، همين اعمال خوب است.

انسان ها بايد بدانند که هر كجا باشند، خداوند آنان را حاضر مى كند و قطعاً از آنها سؤال خواهد كرد. چنين نيست که نيک كرداران و بدكرداران يكسان باشند و اعمال آنان حساب رسى نشود. خداوند قادر مطلق است و بر هر كارى قدرت دارد و اجتماع مردم

ص:۷۹

و بازخواست آنان بر او دشوار و بیرون از قدرت او نیست.

تأویل آیه

ظاهر آیه هر چند گویای وجود قیامت کبری و اجتماع مردم در صحرای بزرگ محشر و برقراری دادگاه عدل الهی است؛ ولی در روایات متعددی جمله اَینَما تَکونُوا یأتِ بِکم اللّهُ جَمیعاً به اصحاب امام مهدی علیه السلام تأویل شده است. کلینی در کتاب روضه کافی چنین نقل می کند:

«عَن اَبی جَعفَر علیه السلام فِی قُولِ اللّه عزَّوَجَلَّ: (فَاستَبِقُوا الخَیراتِ أینَما تَکونُوا یأتِ بِکمُ اللّهُ جَمیعاً) قالَ: الخَیراتُ اَلوِلایه وَقَولُه تبارَک وَ تَعالی: (أینَما تَکونوا یأتِ بِکم اللّهُ جَمِیعاً)یعنِی اَصحابَ القائِمِ الثَلاثِمِائه والبضعهَ عشَر رَجُلا، قال: وَهُم وَاللّهِ الاُمَهُ المَعدُودَهُ قال: یجتَمِعُونَ وَاللّهِ فِی ساعَه واحِدَه قُزَعٌ کقَزَعِ الخَریفِ»؛(۱)

امام باقر علیه السلام در مورد قول خداوند

ص:۸۰

۱- کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷

فاستبقوا... فرمود: مراد از خیرات «ولایت» است و قول خداوند اینما تکونوا... منظور اصحاب امام قائم علیه السلام هستند که ۳۱۳ تن می باشند. به خدا سوگند! منظور از «اُمه معدوده» آنان هستند. حضرت فرمود: به خدا سوگند! همگی در یک ساعت جمع می شوند، مانند پاره های ابر پاییزی که بر اثر تندباد جمع و متراکم می گردد.(۱)

چند نکته

با توجه به آیه و تبیین آن از سوی امام علیه السلام نکات مهم و ارزشمندی می توان به دست آورد:

۱. همان گونه که برای هر مذهبی قبله ای مشخص شده تا برای عبادت به آن روی کنند و اعمال خود را جهت دهند؛ برای مردم هر عصر و زمان نیز باید امام و رهبری باشد که مردم حول محور او باشند و به او روی آورند.

۱- شبیه به این تعبیر در کتاب های دیگر نیز بیان شده است؛ مانند: کتاب الغیبه، شیخ طوسی، الغیبه نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه صدوق و ..

۲. همان گونه که تعیین قبله در اختیار خداوند است، انتخاب و تعیین رهبر و امام نیز به دست او صورت می گیرد.

۳. همان گونه که مردم وظیفه دارند به سوی نیکی ها حرکت کنند و با انجام دادن آنها و طهارت روح به درجات کمال برسند؛ وظیفه دارند به سمت امام خود حرکت کنند و او را بیابند. خود را هم رنگ او نموده و بر طبق خواست و اراده او حرکت کنند.

۴. همان گونه که جا و مکان خاصی برای انجام دادن خوبی ها و خیرات نیست و انسان نباید خود را به منطقه خاصی محدود سازد و فکر کند انجام کارهای خیر برای تحصیل نتیجه، فقط در مکان مخصوصی امکان پذیر است؛ یاران حضرت نیز در زمان غیبت خود را به مکان و منطقه خاصی مقید نمی کنند؛ بلکه در جاهایی که هستند، فعالیت بهتر و بیشتری انجام می دهند تا بتوانند به اراده و خواست امام کامل تر عمل کنند. اجتماع یاوران در زمان ظهور به دست خدا است و او آنان را در هنگام ظهور نزد حضرت حاضر می کند.

۵. همان گونه که حرکت به سوی خوبی ها

ص:۸۲

برای مردم زمـان خاصـی نیست، بلکه برای همه زمـان هـا است؛ یاوران حضـرت نیز از مردمِ زمان خاصـی نیسـتند، بلکه در هر زمان افراد می توانند در جمع یاران امام، حضور یابند.

۶. همان گونه که خداونـد می توانـد انسان هایی را که مرده و پراکنـده گردیـده انـد، در یک روز جمع کنـد؛ همچنین قدرت دارد یاران امام مهدی علیه السلام را در یک روز و در یک مکان گرد آورد.

دوازده. نابودی باطل، با جلوه گری حق

(وَ قُل جاءَ الحَقُّ وَزَهَقَ الباطِلُ اِنَّ الباطِلَ کانَ زَهُوقاً)؛(۱)

«بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری باطل همواره نابود شدنی است».

تفسیر آیه

خداوند پس از آنکه به صفات صدق و توکل اشاره نموده و آن دو را شرط ورود به عمل معرفی می کند؛ در این آیه به نتیجه حرکت درست اشاره کرده. و ضمن آنکه آن را حق می شمرد، پیروزی آن را نیز اعلام

۱- اسراء/ ۸۱

می دارد.

به بیـان دیگر، خداونـد در این آیه به یـک اصل کلی و یک سـنت جاویـدان الهی اشاره دارد و آن پیروزی حقّ و فنا و نابودی باطل است؛ چرا که بی ریشه و تهی بوده و از بین رفتنی است.

تأویل آیه

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«عن ابی جعفر علیه السلام فِی قُولِه عَزَوَجَلَّ: (وَ قُل جاءَ الحَقُّ وَزَهَقَ الباطِلُ) قال: اِذا قامَ القائِمُ ذَهَبَتْ دَولَهُ الباطِلِ»؛(۱)

امام باقر علیه السلام در باره قول خداوند و قُل جاءَ الحَقُ... فرمود: هنگامی که قائم قیام کند، دولت باطل از بین می رود.

از آیه و روایت اسـتفاده می شود که امکـان نـدارد «حق» و «باطـل» بـاهـم جمع گردد و هر کجـا باطل باشـد، آنجا حق نیست و وقتی حق آمد، دیگر جایی برای باطل نخواهد بود.

ص:۸۴

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲

چند نکته

۱. با ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام _ باطل نابود می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و عالم گیر می شود؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یملأ اللّه بِهِ الارضَ عَدلا وَقِسطاً کما مُلِئت ظُلماً وجَورا»؛(۱)

خدا به واسطه او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

۲. برپایی و دوام باطل وقتی است که همراه با تشکیلات سازمان یافته و تحت مدیریت دولت باشد. با نابودی دولت و تشکیلاتِ باطل، طبیعی است که همه آثار آن از میان می رود. با قیام حضرت، ریشه باطل (دولت و نهاد تشکیلاتی) از میان می رود. از این تعبیر جایگاه و اهمیت و نقش دولت روشن می شود.

ص:۸۵

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، ح۷

سیزده. تحقق وعده الهی

(قُلْ مَنْ کانَ فِی الضَّلالَهِ فَلْیمْـدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا حَتّی إِذا رَأَوْا ما یوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السّاعَهَ فَسَـیعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَـرٌّ مَکانًا وَ أَضْعَفُ جُنْدًا وَ یزیدُ اللّهُ الَّذینَ اهْتَدَوْا هُدًی وَ الْباقِیاتُ الصّالِحاتُ خَیرٌ عِنْدَ رَبِّک ثَوابًا وَ خَیرٌ مَرَدًّا)؛(۱)

«بگو: هر که در گمراهی است [خـدای]رحمان به او تا زمانی مهلت می دهـد، تا وقتی [که]آنچه به آنان وعده داده می شود؛ یا عـذاب، یا روز رسـتاخیز را ببینـد. پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسـی بدتر و سـپاهش ناتوان تر است. و خداوند کسـانی را که هـدایت یافته انـد، بر هـدایتشان می افزایـد و نیکی های مانـدگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش فرجام تر است».

تفسیر آیه

این آیه به ستمگران هشدار می دهد گمان نکنند ثروت و امکانات دنیا مایه رحمت است؛

۱- مریم/ ۷۵ و ۷۶

بلکه چه بسا دلیل عذاب باشد! هر کس به گمراهی خود اصرار بورزد، خداوند به او مهلت می دهد و این زندگی مرفّه را برای او برقرار می دارد تا زمان وعده برسد و با چشم خود عذاب را ببیند. در این روز آنان در می یابند که جایگاه چه کسی بدتر و لشکرش ناتوان تر است.

به هر حال، عده ای هستند که با غرق شدن در گمراهی و اصرار بر طریق ضلالت، قابلیت هدایت را در درون خود از بین می برند. نعمت های مادی خدا عذاب هایی برای آنان خواهد بود؛ چرا که این امکانات باعث غفلت و غرور بیشتر آنها و فراموشی کامل خداوند می شود و به جای آنکه این نعمت ها در راه رشد استفاده شود، در راه فساد و ظلم به کار می رود.

در برابر این افراد کسانی هستند که هدایت الهی را می پذیرند و در طریق حقیقت و راستی و صلاح گام می نهند. کارهای صالح آنان باقی می ماند و این اعمال و آثار نزد خدا ثواب بیش تر و سرانجام نیک تری دارد.

ص:۸۷

تأویل آیه

در روایات به معانی دیگر آیه شریفه اشاره شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«امّا قُوله (حَتّی اِذا رَأوا ما یوعَدُون)فَهُوَ خُروجُ القائِم علیه السلام وهُوَ السّاعَهُ فَسَیعلَمُونَ ذلِک الیومَ وما نَزَلَ بِهِم مِنَ اللّهِ عَلی یدَی قائِمه، فَذلِک قُولُهُ «مَنْ هُوَ شَرٌ مَکاناً» یعنی عِندَالقائِم «وَاَضعَفُ جنداً».

قُلتُ: قُولُه «وَیزیدُ اللّهُ الَّذینَ اهتَدَوا هُدًی»؟ قالَ: یزیدُهُم ذلِک الیومَ هُدًی عَلی هُدی بِاتِّباعِهِم القائِمُ حَیثُ لایجحَدُونَهُ وَلاینکرُونَه»؛(۱)

اما قول خداوند «حَتّی اِذا رَأوا ما یوعَدُونَ» پس آن خروج قائم علیه السلام است و آن ساعت است. پس به زودی آنان آن روز را می بینند و آنچه از سوی خدا بر آنان به دستان قائم علیه السلام فرود می آید. پس آن قول خداوند است «مَنْ هُوَ شرٌ مَکاناً»؛ یعنی، هنگام [ظهور]قائم و

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۹۰

«وَاَضعَفُ جنداً» پرسیدم: منظور از «وَیزِیدُاللّهُ...» چیست؟ فرمود: خداوند. در آن روز هدایت را بر هدایت، به خاطر پیروی آنان از حضرت قائم علیه السلام می افزاید؛ چرا که او را رد و انکار نمی کنند.

امام هادی علیه السلام نیز در ضمن روایتی طولانی به همین مطلب اشاره دارد:

«قُلتُ: (حَتّی إِذا رَأَوْا ما یوعَدُونَ فَسَیعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِرًا وَ أَقَلُّ عَدَدًا)یعنی بِذلِك القائِمَ وَاَنصارَهُ»؛(۱)

گفتم: مراد از آیه «حتی اذا رأوا...» چیست؟ فرمود: مراد حضرت قائم علیه السلام و یاران او است.

طبق این احادیث، یکی از مصادیق آیه، «زمان ظهور» است که برای نااهلان همراه با عذاب و سختی و برای اهل حق همراه نصرت و یاوری است و برای اهل ایمان و افرادی که راهنمایی و ارشاد خدا را پذیرفته اند؛ فزونی هدایت است.

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱

چند نکته

۱. قیام حضرت مهدی علیه السلام ، تجلّی وعده خدا برای پیروزی لشگر ایمان بر سپاه کفر است.

۲. خروج و قیام حضرت، ناگهانی بوده و همراه با هلاکت و نابودی دنیاپرستان است؛ بنابراین آدمی باید پیش از ظهور، خود را از صف آنان خارج سازد و از اهل حق باشد.

۳. در روزگار تجلّی حق و ظهور حضرت، هدایت ها پی درپی بر مردم نازل می شود. البته بهره بردن از این هدایت ها برای کسی است که در خود قابلیت ایجاد کرده و گام اولیه را برداشته باشد (ذلِکَ الکتابُ لارَیبَ فِیه هُدی لِلمُتَّقِینَ)؛(۱) پس باید حرکت نخست از انسان شروع شود.

۴. دریافت هدایت با تبعیت آمیخته است. پس هر چه تبعیت کامل تر باشد، شخص از هدایت های بیشتری بهره مند می شود. البته این پیروی از روی آگاهی و شناخت امام زمان علیه السلام است.

۱- بقره/ ۲

چهارده. هشدار نسبت به وقوع غیبت

(قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يأْتيكمْ بِماء مَعين)؛(۱)

«به آنها بگو: به من خبر دهید اگر آب های مورد استفاده شما، در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!»

واژه «أرأيتم» يک واژه ترکیبی از همزه استفهام و فعل «رأيتم» است. این ترکیب و ترکیب هایی مانند آن، بیش از سی بار در قرآن آمده و در مواردی به کار رفته که نیاز به دقت، اندیشه و توجه دادن مخاطب باشد (و به معنای) «اخبرونی» (خبر دهید مرا) است. واژه «معین» اگر از ماده «مَعَن» باشد، به معنای جاری است. اما اگر از ماده «عین» باشد، به معنای ظاهر و نمایان است.

زمین از دو پوشه تشکیل شده است: یکی «قشر نفوذپذیر» که آب را در خود فرو می برد و دیگری «قشر نفوذناپذیر» که آب را در آنجا نگاه می دارد. تمام چشمه ها، چاه ها و قنات ها از برکت این ترکیب ویژه به وجود آمده اند؛

۱- ملک/ ۳۰

زیرا اگر زمین تا اعماق زیاد نفوذپذیر بود، آب ها در زمین فرو می رفتند و دست کسی به آنها نمی رسید و همچنین اگر همه سطح زمین «نفوذناپذیر» بود، آب ها روی زمین می ماندند و باتلاقی بزرگ درست می شد یا به دریاها می ریختند و چیزی به نام ذخایر آب زیرزمینی به وجود نمی آید.

این نمونه کوچکی از رحمت عام خداوند است که مرگ و زندگی انسان، سخت با آن گره خورده است.(۱)

بنابراین، ظاهر آیه به اهمیت «آب جاری» در زندگی انسان ها مربوط است؛ ولی در روایات متعدد مصداق آب جاری «وجود مقدّس امام مهدی علیه السلام » دانسته شده است.

در منابع معتبر روایی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«هـذِه نزَلَتْ فِی القـائِمِ علیه السـلام یقُولُ: اِنْ اَصبَحَ اِمـامُکم غائِبـاً عَنکم لاتَـدرُونَ أینَ هو فَمَن یأتِیکم بِامام ظاهر یأتِیکم بِأخبارِ السَّماءِ وَالَارضِ وحَلالِ اللّهِ جَلَّ وَعزَّ

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۸

وحَرامِهِ. ثم قال علیه السلام : واللّهِ ما جاءَ تأویلُ الآیهِ وَلابُدَّ أن یجِیء تَأویلُها»؛(۱)

«این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است. می فرماید: اگر امامتان غایب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام ظاهری برای شما خواهد آورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند را برای شما بیاورد؟ سپس فرمود: به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر خواهد آمد.

با کمی تأمل در می یابیم که تفسیر آب _ این مایه حیات مادی بشر _ به وجود مقدّس امام زمان علیه السلام که سبب حیات معنوی جامعه انسانی است، امری پذیرفتنی و قابل فهم است. نقش امام در جامعه انسانی مثل آب، نقشی مهم و اساسی است و البته شباهت هایی میان این دو وجود دارد:

۱. در قرآن کریم آب منشأ حیات همه موجودات معرفی شده است:

(وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کلَّ

۱- کمال الدین وتمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ص ۳۲۵، ح۳

شَیء حَی)؛(۱) «و همه چیز را از آب، حیات و زندگی دادیم».

امامت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه حیات فکری و معنوی بشر است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذا قامَ قائمُنا وَضَعَ اللّهُ یدَه عَلی رُؤوسِ العِبادِ فَجَمَع بِها عُقُولَهم وَکمُلَت بِها أَحلامَهُم»؛(۲)

وقتی قائم ما علیه السلام قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان قرار می دهد و بدین سبب خردهای آنان را جمع کرده و عقل ایشان را کامل می کند.

۲. همان گونه که نزول آب از عالم بالا است، موضوع امامت حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او نیز امری آسمانی است. قرآن کریم درباره آب فرموده است: (وَأنزَلَ مِن السَّماءِ ماءً)(۳) «و خدا از آسمان آب فرو فرستاد» و درباره مسأله امامت می فرماید:

۱- انبیاء / ۳۰

۲- کافی، ج ۱، کتاب العقل والجهل، ص ۲۵، ح ۲۱

۳- بقره/ ۲۲

... ولاینالُ عَهدِی الظّالِمینَ(۱)؛ «و پیمان من به ستمکاران نخواهد رسید».

۳. آب سبب پاکیزگی و رفع آلودگی است. حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز مایه پاکیزگی و طهارت دل ها است. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«لَو قَد قامَ قائِمُنا... لَذَهَبَتْ الشَّحْناءُ مِن قُلوبِ العِبادِ»؛(۲)

اگر قائم ما قیام کند... کینه [و دشمنی] از دل های بندگان برود.

همان گونه که اگر آب به اعماق زمین برود، هیچ کس به آن دسترسی ندارد و بشر با همه توان خود از رسیدن به آب ناتوان خواهد بود، اگر امام به اراده پروردگار در پس پرده غیبت قرار گیرد، مردم نمی توانند امامی از میان خود برگزینند؛ بلکه نیاز آنان به امام و پیشوای آسمانی باقی است. پس باید در طلب او باشند و از خداوند ظهور او را بخواهند؛

۱- مراد از پیمان الهی امامت است. ر.ک: تفسیر مجمع البیان و المیزان، ذیل آیه

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶

همان گونه که در نبود آب، باید از خداوند طلب کنند که چشمه های آنها را پُر آب کند.

امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام در پاسخ برادرش علی بن جعفر درباره تأویل این آیه می فرماید:

«اِذا فَقَدْتُم اِمامَکم فَلَم تَرَوهُ فَماذا تَصنَعُون»؛(۱)

زمانی که امام خویش را از دست دادید و از دیدن او عاجز شدید، پس چه خواهید کرد؟!

با این بیان روشن می شود که مضـمون آیه، می توانـد ناظر به دوران غیبت امام مهدی علیه السـلام باشد؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی از امامان دوازده گانه پس از خود خبر داد، عمار یاسر از آن حضرت درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یا عَمّار! اِنَّ اللّه ـ تبارک و تعالی ـ عَهدَ الی أنّه یخرُجُ مِن صُـلبِ الحسین اَئِمه تِسعَهً والتاسِعُ مِن وُلدِه یغِیبُ عَنهم وذلِک قوله عزّوجَلّ: قل أرَأیتُم اِن

۱- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۰

أصبَحَ ماؤكم غوراً فَمَنْ يأتِيكم بِماء معين تكون له غيبه طويله، يرجع عنها قوم و يثبت عليها آخرون فاذا كان فی آخر الزمان يخرج فَيملَاَ الدنيا قِسطاً وَ عَدلا كما مُلِئَت جَوراً وظُلماً...»؛(۱)

ای عمار! خداوند ـ تبارك و تعالی ـ با من پیمان بسته که بیرون می آید از نسل حسین علیه السلام نُه امام و نهمین آنان از میان ایشان غایب می گردد. و این همان سخن خداست که فرمود: «بگو [ای پیامبر] به من خبر دهید که اگر آب مورد استفاده شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد؟!» برای او (مهدی) غیبتی طولانی خواهد بود که گروهی از امامت او باز خواهند گشت و گروهی دیگر بر آن ثابت قدم می مانند و چون آخر الزمان شود، [مهدی علیه السلام] قیام می کند و دنیا را پر از قسط و عدل می سازد؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.

ص:۹۷

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ح ۱، ص ۷۹

نتیجه

با انـدکی تأمل در می یابیم؛ آیات متعـدد قرآن به پشـتوانه روایات، به مسـئله حاکمیت جهانی مستضـعفان و عدالت، و رهبری حضرت مهدی علیه السلام پرداخته اند.

ص:۹۸

فهرست تعدادی از کتاب هایی که در مورد آیات مهدویت تألیف شده است:

۱. معجم احادیث الامام المهدی، جلد ۵، تألیف و نشر مؤسسه معارف اسلامی در قم. با ذکر حدود ۳۰۰ آیه.

۲. مرحوم سید هاشم بحرانی با بیش از ۱۲۰ آیه المحجه فیما نزل فی القائم الحجه علیه السلام و ترجمه آن سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، آقای سید مهدی یوسفیان.

۳. سعید ابومعاش، الامام المهدی علیه السلام فی القرآن و السنه، انتشارات آستان قدس رضوی.

۴. فضل اللّه عابدی خراسانی، قاطع البیان فی آلایات بصاحب الزمان علیه السلام، ناشر دارالمرتضی مشهد.

۵. سید داود میرصابری، الایات الباهره فی العتره الطاهره، ناشر قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه.

ص:۹۹

۶. محمد جواد مولوی نیا، سیمای مهدویت در قرآن، ناشر، مؤسسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۷. محمد حسین رضوی، المهدی الموعود فی القرآن الکریم، ناشر دارالهادی للطباعه و النشر بیروت لبنان.

۸. محمد مدنی، اختر فروزان یا کوکب درّی، انتشارات نسیم شمال.

۹. سید صادق حسینی شیرازی، موعود قرآن، ناشر مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱۰. علی صفائی کاشانی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن.

۱۱. جعفر شیخ الاسلامی، پور نهان در افق قرآن.

ص:۱۰۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹